

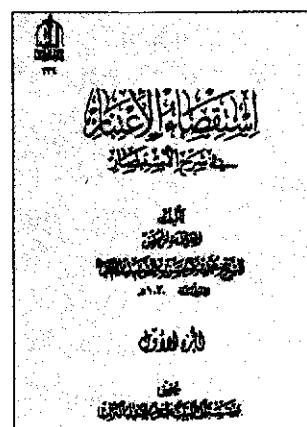
معرفی های اجمالی

پرداخته اند. (الذریعه، ج ۱۳/ ۸۳) در میان شرح های مختلف استبصار «استقصاء الأعتبار» از جایگاه بلندی برخوردار است. مؤلف آن، شیخ جلیل، فخرالدین، أبو جعفر محمد بن جمال الدین ابی منصور الحسن بن زین الدین الشهید الثانی است. او دانش اندوزی را در محضر پدر آغاز کرد، و با بهره وری از محضر آن فقیه ژرف اندیش بزرگ و فقیه جلیل القدر سید محمد، صاحب «المدارک» به جایگاه بلندی از دانش و فقاقت دست یافت (لولؤة البحرین ص ۸۲، و مقدمه کتاب، ج ۱/ ۱۵) مؤلف پس از ارتحال آن دو بزرگوار به مکه رفت و در محضر میرزا محمد استرآبادی صاحب «کتاب الرجال» به تعمیق و توسعه آموخته هایش پرداخت و به ویژه در حدیث و رجال از آن بزرگوار بسی بهره برد. (همان)

مؤلف گاه به دمشق می رفت و با عالمان عامه دیدار می کرد؛ بهره می داد و بهره می گرفت و در فراگیری و فرادهی مرزهای مذهبی را در می نوردید. پیوستگی پنجساله او با رجالی بزرگ محمد امین استرآبادی او را در دانش رجال به چیرگی عظیمی رساند. گستردگی آگاهی های مؤلف در دانش رجال از شرح مورد گفتگو به روشنی پیدا است.

«استقصاء الأعتبار» کتابی روشمند، دقیق، سودمند و کارآمد است. کتاب کامل نیست و تمام ابواب «استبصار» را شامل نمی شود (الذریعه، ج ۲/ ۳۰). مؤلف مقدمه ای دارد درازدامن و سودمند، مشتمل بر ۱۲ فایده، که در متن آن از

استقصاء الأعتبار فی شرح الأستبصار، العلامه المحقق، الشیخ محمد بن الحسن بن الشهید الثانی (م. ۱۰۳۰) ج ۲، قم مؤسسه آل البیت - علیهم السلام - لأحیاء التراث/ ۱۴۱۹، ۴۸۸+۵۱۸ میراث مکتوب شیخ الطائفه، محمد بن حسن طوسی، بسی پر برگ است و پر بار. از میان چهار کتاب اصلی و معتبر حدیثی شیعی، دو کتاب به خامه آن بزرگوار



است. «الأستبصار فیما اختلف من الأخبار» چهارمین و آخرین مجموعه یاد شده است. شیخ ابتداء تهذیب را نگاشته و پس از آن «استبصار» را تدوین کرده است. در «استبصار» کوشیده است احادیث تعارض نما را به بحث نهاده، تعارض بدوی آنها را بزدايد. اکنون مجال سخن تفصیلی درباره این کتاب جلیل نیست، اما تأکید بر این نکته زاید نمی نماید که استبصار از همان روزگاران تألیف و نشر همواره مورد توجه بوده و به گفته کتابشناس بزرگ علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی: «در نزد فقیهان شیعه مدار استنباط احکام شرعی بوده است» (الذریعه ج ۲/ ۱۴). بدین سان عالمان بسیاری بر آن شرح نوشته و یا تعلیقه نگاشته و یا با نگارش حواشی به تبیین و توضیح مطالب آن

بررسی سند روایات و ارزیابی رجال احادیث از مهم‌ترین ویژگی‌های کتاب است.

آنگاه با عنوان «المتن» به جنبه‌های «فقه الحدیثی» احادیث می‌پردازد، و با بحث و بررسی در محتوای احادیث درباره‌ی داوری‌های شیخ در تبیین احادیث و جمع روایات نیز به تفصیل بحث می‌کند. اگر آنچه را شیخ آورده پذیرد بدان استدلال می‌کند و اگر نپذیرد در نقد آن نیز به تفصیل و دقت و استدلال بحث می‌کند. واگویی و جوه معانی احادیث و عرضه احتمالات مختلف در محتوای روایات و جمع متعارض نشان می‌دهد که مؤلف از گستره دانش و دقت شایسته و استوار فهم برخوردار است، و وصف‌هایی چون «المحقق»، «المدقق»، «فقیه»، «متبحر جامع کامل» و ... درباره‌ی او (مقدمه / ۲۶) کاملاً به جا است.

پس از آنچه آمد گاه در پایان ذیل عنوان «اللغه» به تبیین و توضیح واژه‌های دشواریاب می‌پردازد.

«مؤسسه آل‌البیت لأحیاء التراث» شعبه مشهد به تحقیق و تصحیح این اثر ارجمند همت گماشته و آن را سامان داده‌اند. کار پژوهش را پنج گروه به عهده گرفته‌اند: ۱. مقابله و سنجش نسخه‌ها و ثبت و اختلاف نسخه‌ها؛ ۲. استخراج اقوال، روایات و غریب الحدیث بر اساس منابع و مصادر معتبر؛ ۳. استوارسازی متن و به دست دادن متن استوار و پیراسته؛ ۴. نگاهش حاشیه‌ها و تنظیم پاورقی‌ها؛ ۵. بازنگری نهایی و تنظیم یک دست‌سازی فرایند تلاش‌های گروه‌های یاد شده.

کتاب بر اساس ۴ نسخه است: ۱. نسخه مدرسه فیضیه که در سه جزء نگاشته شد و مشتمل است بر مقدمه مؤلف تا پایان کتاب الصلاة، ۲. نسخه آستان قدس رضوی که به اندازه نسخه قبلی است، ۳. دانشگاه تهران که بخش‌هایی را دارد، ۴. نسخه مجلس شورای اسلامی.

محققان افزون بر آنچه یاد کردیم، یعنی تعلیق‌ها و حاشیه‌های سودمند در جهت ارائه منابع و مصادر، ثبت و ضبط اختلاف نسخه‌ها و توضیح مواردی از متن، مقدمه‌ای نگاشته‌اند سودمند و کارآمد درباره مؤلف، شرح حال و آثار وی، استادان و شاگردان او، استبصار و شرح هایش، «استقصاء الاعتبار» و جایگاهش در بیان شروح، امتیازهای این شرح، معرفی نسخه‌های معتمد و شیوه تحقیق و تصحیح. اکنون چهار مجلد از کتاب منتشر شده است. امیدواریم مجلدات دیگر کتاب نیز به زودی منتشر شود.

محمدعلی غلامی

تعریف خبر، حدیث، خبر متواتر، و چگونگی استواری و ناستواری خبر و حدیث و قرائن پذیرش و عدم پذیرش احادیث، چگونگی عمل به خبر واحد و ... یا دقت تمام بحث شده است. محققان برخی از ویژگی‌های این اثر فحیم را بدین سان رقم زده‌اند:

۱. شرح دقیق سند روایات و نتیجه‌گیری استوار و دقیق رجالی از فرایند پژوهش.

۲. شرح متن با بیان جوه محتمل در روایات و ارزیابی و نقد آراء و داوری قاطع درباره دیدگاه‌ها.

۳. تبیین و شرح واژه‌های دشواریاب احادیث.

۴. نظم استوار، چینش دقیق بحث‌ها و ژرفایی و استواری مطالب.

۵. پیراستگی از تکرار، افزون‌نگاری‌های غیرلازم، و ارجاع به تحقیقات عالمان و فقیهان و ...

۶. گستردگی بحث‌های رجالی. این ویژگی شاید مهم‌ترین ویژگی کتاب باشد. چنانکه پیشتر آوردیم او بیش از پنج سال ملازم رجالی بزرگ محمد امین استرآبادی بود، و چه بسیار آراء رجالی که از استادش و از گفتگوها و درس‌ها گزارش می‌کند که در کتاب رجال وی نیست (ص ۳۲-۳۴). محققان برخی از آراء رجالی مؤلف را بدین سان گزارش کرده‌اند:

۱. روایت بزرگانی چون کلینی از کسی، نشانگر اعتبار او است.

۲. اعتماد بر نقل مراسیل، صلاحیت برای قُدح رجالی ندارد.

۳. در تعارض اقوال نجاشی و شیخ در جرح و تعدیل، قول نجاشی را مقدم می‌دارد.

۴. اگر نجاشی مذهب کسی را یاد نکند، نشانگر نفی مذهب خاص از او است.

۵. حدیث ابراهیم بن هاشم را «حسن» می‌داند و نه «صحیح».

۶. «اضمار» موجب ضعف حدیث نیست.

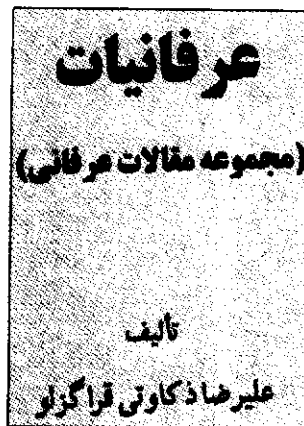
۷. وکالت امامان (ع) و ثاقت و کیل را ثابت نمی‌کند. و ... (ص ۳۵-۳۶)

شیوه مؤلف

شیوه پژوهش و شرح مؤلف بدین گونه است که مؤلف روایت را گزارش می‌کند و آنگاه ذیل عنوان «السند» به تفصیل سند روایت را به بحث می‌نهد، و رجال سند را یک به یک ارزیابی می‌کند و طرق موجود در اسانید را بررسی می‌کند، و مبانی و مستندات را که رجالیان در داوری‌ها درباره افراد و طرق داشته‌اند، طرح کرده برای استواری آنها و یا نقد و تزییف آنها استدلال می‌کند. بدین سان - چنانکه پیشتر آوردیم - بخش

عرفانیات (مجموعه مقالات عرفانی) علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران،

انتشارات حقیقت، ۱۳۷۹،
۴۱۵ص، وزیری.



این کتاب مجموعه‌ی چهل و پنج مقاله‌ی نویسنده، منتقد و متفکر آشنای دیار اهل قلم، علیرضا ذکاوتی قراگزلو است که یکسر به تبیین، تفسیر و نقد و تحلیل ابعاد ادبی از عرفان اسلامی - ایرانی پرداخته است. ذکاوتی کم‌نویس، پخته‌نویس و

سخت‌نگار است. او اکنون در هر موضوعی از موضوعات فرهنگ اسلامی قلم می‌زند بواقع با پشتوانه‌ی از حدود چهل سال مطالعه، تأمل و درنگریستن در ابعاد فرهنگ اسلامی است که می‌نویسد. ذکاوتی کمتر موضوعات مستقلی را به بحث و پژوهش نهاده است؛ او بیشتر ترجمه کرده و یا نقد نوشته است، اما تمام نگاه‌های وی بر نکته است و آموزنده. گویی وی در نقد‌های کوتاه و بلندی که بر آثار مکتوب مؤلفان و مترجمان نوشته و می‌نویسد، بیشتر در پی طرح گوشه‌هایی از فرآیند سالیان دراز مطالعه در فرهنگ و ادب اسلامی و ایرانی است، از این روست که نقد و معرفی‌های وی بسی خواندنی و نکته‌آموز است. در طرح مسائل و مباحثی که ذکاوتی به مناسبت نقد‌ها بدان می‌پردازد و یا تحلیلی که از موضوع و محتوای کتاب‌های مورد نقد به دست می‌دهد، نگاه تاریخی او و توجهش به ریشه‌یابی مسائل و باز کردن ابعاد تأثیر و تأثرها نیز تأمل کردنی و سودمند است.

این مجموعه با مقاله «نظری به حدیث ماه شب چهارده، مبحث رؤیت و لقاء الله» آغاز می‌شود که نگاهی است به کتاب سودمند دکتر نصرالله پورجوادی با عنوان «رؤیت ماه در آسمان، بررسی تاریخی سند لقاء الله در کلام و تصوف». نویسنده در آغاز به مشکل اساسی پژوهش‌های عرفانی اشاره می‌کند، و نداشتن روش علمی و بی‌توجهی به سیر تاریخی مسائل و بن‌مایه‌های مباحث را از جمله اهم مشکلات این گونه بحث‌ها تلقی می‌کند (ص ۱) و آنگاه در کتاب مورد گفتگو از جمله توجه به نکات یاد شده را از برجستگی‌های آن به شمار می‌آورد. در همین مقاله ذکاوتی با ظرافت چرایی و چگونگی باور به رؤیت خداوند را می‌کاود و ریشه آن را در نوعی تجسیم و تشبیه می‌نگرد و برای مدعا از منابع کهن نمونه‌ها و مؤیداتی می‌آورد (ص ۲ و ۳). آنگاه با بر نمودن درونمایه کتاب و نقش اسرائیلیات

در این مسئله، یادآوری می‌کند که، سهم ایرانیات در تأثیر بر این گونه مسائل تا حدودی نادیده گرفته شده است که جای تأکید و تأمل دارد. (ص ۶)

مقاله دوم با عنوان «مقامات القلوب» ترجمه رساله «مقامات القلوب» از ابوالحسن نوری (ص ۷-۱۷) است. مقاله «سیری در سیره ابن خفیف» نگاهی است به «سیرت شیخ کبیر ابو عبد الله ابن خفیف شیرازی» با اشاره‌ای به جایگاه ابن خفیف در تصوف (ص ۱۹-۲۲). مقاله چهارم نگاهی گذرا دارد به «مجموعه آثار ابو عبد الله سلمی» (ص ۲۳-۲۷). مقاله پنجم مقاله‌ای است بر نکته که در آن جنبه‌های مردم‌شناختی و مسائل اجتماعی نهفته در «کیمیای سعادت» غزالی استخراج، تدوین و عرضه شده است؛ اما جایگاه آن در این مجموعه روشن نیست. (ص ۲۹-۵۱)

سپس سه مقاله آمده است که هر یک به گونه‌ای و از زاویه‌ای به شخصیت، اندیشه و افکار عارف گستاخ اندیشه و بلندآوازه قرن پنجم عین القضاة همدانی پرداخته است. در مقاله اول و با عنوان «خاصیت اینگی» که نقد و معرفی کتابی است ارجمند در شرح حال و گزارش آثار عین القضاة همدانی به خامه نجیب مایل هروی، ذکاوتی نکاتی تأمل کردنی در نقد، تکمیل و یا تأیید مطالب و دریافت‌های مؤلف آورده است. از جمله اینکه عین القضاة را پیرو عارفان خراسانی نامیدن، با اینکه سهم خراسان بزرگ در فرهنگ و تاریخ ایران را نمی‌شود منکر شد، نوعی بی‌انصافی است (ص ۵۴). نویسنده بی‌اعتنایی عین القضاة را به نظام سیاسی که مؤلف کتاب بدان باور دارد بی‌وجه می‌داند و با ارائه نمونه‌هایی از سخنان و آثار عین القضاة او را عارفی درگیر می‌شناساند (ص ۵۵-۵۶). این مقاله نکته‌های جالب توجه دیگری نیز دارد که برخی به گونه‌ای در مقاله‌های بعدی نیز تکرار شده است. دو مقاله بعدی به روزبهان بقلی پرداخته است؛ اشاره‌ای به ماجرای بی‌توجهی به روزبهان در گذشته‌ها و ویژگی‌های زبانی آثار او و تأثیر روزبهان بر عارفان و شاعران پس از خود از جمله سعدی و حافظ (ص ۸۳-۹۸). ذکاوتی بر این باور است که درباره احوال روزبهان هنوز هم بهترین منبع «روزبهان‌نامه» است به اهتمام محمدتقی دانش‌پژوه و نشر یافته از سوی انجمن آثار ملی. مقاله «عطار و عرفان ایرانی» که با گزارش نگاه‌های گونه‌گون به عطار آغاز می‌شود و بر ناشناختگی عطار تأکید می‌ورزد و به اینکه به او ظلم شد تصریح می‌کند، مقاله‌ای است خواندنی و ارجمند. ذکاوتی می‌گوید بر خلاف پنداری که برخی دارند و عطار را به درازگویی مستهزم می‌کنند، در مثنوی‌ها گاهی ایجاز را به اعجاز نزدیک می‌کند (ص ۹۹). عطار مثنوی عرفانی را پیش برده و به ویژه پرداختن

قصه‌های بلند و تمثیل‌های کوتاه دارای محتوای صوفیانه را باب کرده است (ص ۱۰۰). سومین نکته سهم ارجمند عطار است در رباعی و غزل و قصیده عرفانی، توضیح این نکته در متن مقاله تأمل کردنی است (ص ۱۰۰-۱۰۱). مقاله اشاره‌ای هوشمندانه دارد به شاهکار داستان‌سرایی او. شیخ صنعان و آخرین نکته درباره آن حکایت اینکه «شیخ صنعان» حکایت تحوّل و ارتقای نفس انسانی است (ص ۱۰۴).

مقاله خواندنی دیگر این مجموعه مقاله «سیر مسئله توحید در عالم اسلام تا قرن هفتم هجری» به‌خامه عثمان اسماعیل یحیی است، که آقای ذکاوتی آن را ترجمه کرده است (ص ۱۰۷-۱۲۹). دو مقاله دیگر به «فصوص الحکم» پرداخته است و جایگاه مهم آن را در عرفان نظری با عنوان «نگاهی به شرح فصوص الحکم» و پژوهشی دیگر در فصوص الحکم را گفته است. (ص ۱۳۱-۱۴۶)

شیخ عبدالوهاب شعرانی (م ۹۷۳) عارف متشرع مصری کوشیده است مبانی عرفان نظری را با شریعت وفق دهد. به‌ویژه در دو کتاب خود «الیواقیت و الجواهر» و «الکبریت الأحمر» ضمن تلخیص و تنظیم مطالب فتوحات مکیه ابن عربی، سعی کرده مشکلات آن را حل کند و موارد ابهام و یا شبهه‌انگیز آن را مرتفع سازد (ص ۱۹۷). آقای ذکاوتی شانزده بند اول الکبریت الأحمر را ترجمه کرده است تا «برای علاقه‌مندان به عرفان نظری و در راه مطالعه و مراجعه به اصل کتاب شوق‌انگیز باشد» (ص ۱۴۸-۱۵۴). مقاله «سرگذشت و اندیشه‌های ابن سبعین» گزارشی است از شرح حال، آثار و اندیشه‌های ابن سبعین صوفی متفلسف یا فیلسوف متصوف اندلسی (ص ۶۱۳-۶۶۹). این مقاله نیز نوشته‌ای است خواندنی و با توجه به اینکه در ادب پارسی پژوهشی در خور، درباره ابن سبعین نیست، سودمند و کارآمد. (ص ۱۵۴-۱۶۴)

مقاله «حافظ و ابن عربی شاعر» در پی بازگویی شباهت‌های ابعاد اندیشه ابن عربی و حافظ است. مؤلف گو اینکه پیروی حافظ را در «وحدت وجود» از «ابن عربی» بعید می‌داند و بر استنباط این نکته از اشعار حافظ که حافظ‌شناسانی انگشت نهاده‌اند، خرده می‌گیرد؛ اما وجوه مشابهت و قابل‌قیاس این دو شخصیت بزرگ را کم نمی‌داند (ص ۱۶۵-۱۶۶). با این همه تأکید می‌کند که وجوه افتراق آنها نیز کم نیست (ص ۱۶۵-۱۷۹). «پرتو ذات و تجلی صفات» نیز بحثی درباره دیوان حافظ و نمود این عنوان در اشعار او است (ص ۱۸۱-۱۹۲).

مقاله بیستم، مقاله‌ای است بلند با عنوان «ابن فارض، شاعر حب الهی». آقای ذکاوتی در این مقاله بلند، ضمن تأکید بر

جایگاه والای ابن فارض در میان شاعران عربی گوی تصوف، از زندگی و افکار و اندیشه‌های او سخن گفته، مواضع مخالفان و موافقان را درباره وی برنموده و تنها اثر برجای مانده از او، یعنی دیوانش را معرفی کرده است. آنگاه چگونگی اشعار و مضامین نهفته در آنها را تحلیل کرده و به واقع کوشیده است به این پرسش که آن همه سخن از معشوقه، خمر، می، و ... در اشعار وی نشانگر چه مفاهیمی است، پاسخ دهد. وی امید می‌برد این مقاله مدخلی باشد بر پژوهش‌های گسترده درباره ابن فارض در ادب پارسی که کاملاً جای آن خالی است (ص ۱۹۴-۲۳۶).

پس از این مقاله درازدامن «تلخیص مقدمه کتاب کشف وجوه الغر لمعانی نظم الدرر» آمده است که کتاب را عبدالرزاق کاشانی در شرح قصیده «تانیه» ابن فارض رقم زده است (ص ۲۳۷-۲۵۷). پس از این دو مقاله، مقاله «حافظ و ابن فارض» در پی بر نمودن همگونی‌های دو شاعر بلند آوازه عربی گوی و فارسی سرای است. یکی بزرگ‌ترین گوینده متصوف در زبان عربی بوده است و دیگری سراینده بهترین غزل‌های عارفانه و عاشقانه در فارسی (ص ۲۵۳-۲۶۷).

شرح نیکلسون بر مثنوی را از بهترین و کارآمدترین شرح‌ها مثنوی دانسته‌اند. این شرح را فاضل دانشور و مترجم چیره دست جناب حسن لاهوتی ترجمه کردند که در شش جلد نشر یافته است. علامه جلیل‌القدر، «بقیه السلف» فیلسوفان بزرگ صدرایی، حضرت سیدجلال‌الدین آشتیانی، مقدمه‌ای بر این شرح نگاشته‌اند که آقای ذکاوتی از آن چنین یاد کرده‌اند: «... مقدمه عالمانه و عمیق استاد آشتیانی ... که با لذت و مکرر آن را خواندم». مقاله «سیری در مقدمه استاد آشتیانی بر ترجمه شرح مثنوی نیکلسون» در جهت بر نمودن نکات برجسته این مقدمه است. استاد آشتیانی تأثیرپذیری مولوی از ابن عربی را یکسر نفی می‌کند و آقای ذکاوتی این دریافت و حکم قاطع را می‌ستاید و نکات دیگر ... (ص ۲۶۹-۲۷۹). این نگاه اجمالی به درازا کشید؛ مقالات دیگر نیز که خواندنی و سودمند است. عبارتند از:

نقدی بر نقدی بر مثنوی، ولدنامه، رباب‌نامه، انتہانامه، نسایم گلشن یا شرح گلشن‌راز، جامع الأسرار و منبع الأنوار، المقدمات من کتاب نص النصوص فی شرح الفصوص، تصوف در آثار ابن تیمیّه، یادی از ابن عطاء الله اسکندری، طریقه شاذلی در مصر، شاه نعمت‌الله ولی، سیری در آثار میرسید علی همدانی، نگاهی به فتوت‌نامه میرسید علی همدانی، چهل مجلس یا رساله اقبالیّه، مصنّفات فارسی علاءالدوله سمنانی، انیس الطالبین و عدّه السالکین، فوائد الفؤاد، وصفی از صفوة

ارجمند مشتمل است بر مقدمات تفسیر، و تفسیر سوره های حمد تا نساء آیه ۵۸.

مؤلف مقدمه کتاب را در چهار فصل رخم زده است: در فصل اول از «اعجاز قرآن» سخن گفته است و مانند ناپذیری این کتاب الهی را از جهات مختلف و زاویه های گونه گونه در نهایت اختصار و استواری باز گفته است. عناوین بحث آن بزرگوار در بخش چنین است: معجزه چیست؟ چرا معجزه دلیل است، گونه گونی معجزات پیامبران از چیست؟ قرآن چگونه معجزه است و چرا مانند ناپذیر است؟ قرآن برتر از معجزات دیگر، مانند ناپذیری قرآن از نظر تاریخ، مانند ناپذیری قرآن از منظر استدلال، مانند ناپذیری قرآن از نظر نداشتن اختلاف و تناقض، مانند ناپذیری قرآن از نظر تشریح نظام عادل، مانند ناپذیری قرآن از نظر اخلاق و مقایسه اخلاق در قرآن با اخلاق در تورات و انجیل، مانند ناپذیری قرآن از نظر علم به غیب و چگونگی انجیل ها در این مقوله. در فصل دوم تفسیر، مؤلف ژرفنگر آن از جمع قرآن سخن گفته است و پس از نشان دادن اضطراب روایات در چگونگی جمع، به نقد و تزییف برخی از روایات منقول در منابع حدیثی عامه پرداخته و کوشیده است تا چهره منور کتاب الهی را از هر گونه دگرگونی، دگرسانی و تحریف پیراسته سازد. بدین سان به بحث «تحریف» پرداخته و از ابعاد مختلف، این موضوع را به اختصار کاویده و تحریف ناپذیری قرآن را به اثبات رسانده است. در فصل سوم مؤلف جلیل ما از قرائت کتاب الهی سخن گفته است و تواتر قرآن و ناستواری تواتر قرائت های هفتگانه و ... را روشن کرده است. در فصل چهارم از تفسیر، مقدمات و لوازم آن بحث کرده و نقش فهم و بازشناسی مفردات در تفسیر قرآن و چگونگی بحث و فحص از واژه ها برای دستیابی به معنای درست آن و نیز نقش سنت و عترت را در تفسیر قرآن، به اجمال اما با استواری بررسی کرده است. پس از این فصول که به واقع از جمله بحث های بس ارجمند و راهگشا در مباحث علوم قرآنی است، تفسیر آغاز می شود. از سوره حمد تا آیه ۵۸ سوره نساء. یادآوری کنم که بحث علامه بلاغی از تحریف ناپذیری و جمع قرآن با همه گزیده گوی، بسی استوار و پر نکته است. پژوهش های پس از وی در این بحث از «البیان» آیت الله خویی (ره) تا دیگر پژوهش ها عملاً بن مایه های بحث را از وی گرفته اند.

تفسیر آیات سوره حمد در سنجش با آیات سور دیگر اندکی به تفصیل نگاشته شده است. در ضمن تفسیر سوره حمد از محل نزول سوره، چگونگی قرائت «بسمله» بحث دیرپای «خلق قرآن» «عبادت» چگونگی و چرایی حصر «استعانت» به الله،

الصفاء، تفسیرهای مکتب شیخ صفی الدین اردبیلی بر اشعار عرفانی، مقامات جامی، تحلیلی بر کتاب مجالس العشاق.

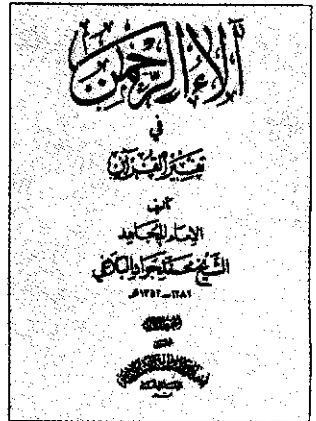
برای جناب ذکاوتی توفیق مدام را مسئلت دارم. امیدوارم دیر بزیند و شاداب و استوار بنگارند و بهره رسانند.

علی محمد علوی

آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، الأمام المجاهد الشیخ محمد جواد

البلاغی: ج ۱ و ۲ تهران، مؤسسه البعثة (قسم الدراسات الاسلامیه) ۱۴۲۰، ۵۶۰+۴۷۳ ص.

عالم جلیل، متکلم و متفکر بزرگ شیعی، مدافع نستوه مرزهای عقیده حضرت آیت الله حاج شیخ جواد بلاغی از فقیهان، ادیبان، متکلمان و مفکران بزرگ قرن چهاردهم هجری است. آگاهی آن بزرگوار



از فرهنگ های گونه گون و چیرگی وی بر مباحث اسلامی، باعث شده بود که آثارش در ژرفایی، استواری کم نظیر باشد. علامه بلاغی، در پیراسته جانی، معادباوری، فرشته خوبی کم نظیر بل بی همانند بود. استاد عالیقدر حضرت محمدرضا حکیمی در اثر زیبا و ارجمندش «بیدارگران اقالیم قبله» و جوه شخصیت وی را بدین سان رقم زده است: در ادب و آشنایی ژرف با ادبیات، زبان های دیگر، انسانگرایی. آگاهی از ادیان و عقاید، اخلاق، و در این بُعد جلیل، یعنی اخلاق، پاکي نیت، سلامت نفس و انتقادپذیری، فروتنی، کوشش، خوی پاکیزگان (/۲۱۴-۲۰۸). از جمله آثار ارجمند بلاغی، کتاب جلیل «الهدی الی دین المصطفی» است. نویسنده گرانقدر عراقی دکتر توفیق الفکیکی درباره آن نوشته است:

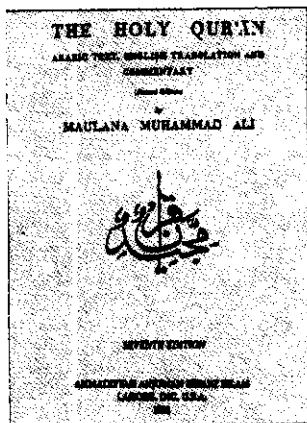
«الهدی» بهترین کتاب ها و آثار بلاغی است. نمونه ای است از خرد مبتکر و دانش وسیع او و برهانی است بر احاطه او به تاریخ ادیان و شرایع و عقاید و ...

وی درباره «الرحله المدرسه» که به صورت گفتگویی میان چند تن درباره کتاب های آسمانی سامان یافته است، نوشته است: «الرحله المدرسه اثری است برآمده از تحقیق وسیع و نیرومند و تفکر عمیق و ذوق سرشار و سبک ابتکاری بلاغی در داستان نویسی و ...». (همان، ص ۲۰۳ و ۲۰۶)

تفسیر گرانسنگ بلاغی از جمله آخرین آثار او است که با بدرد گفتن زندگی، سوگمندانه ناتمام مانده است. این اثر

این مدعا بحثی کوتاه پی افکنده اند که بسیار نکته آموز و سرشار از نمونه‌هایی از سروده‌های شاعران و ادیبان روزگانه نزول قرآن است (ج ۱، ص ۷۴-۱۶۹). ذیل آیه ۱۹۶ سوره بقره به مناسبت طرح بحث حج و مسائل مرتبط با آن به تفصیل درباره «عمره تمتع» بحث کرده و در این مسئله اختلافی، با استناد به روایات فریقین موضع شیعه را استوار داشته‌اند (ج ۱، ص ۳۲۲-۳۲۳) در ذیل آیه ۱۲ از سوره نساء به تفصیل از «کلاله» بحث کرده‌اند و آنگاه به مناسبت وارد بحثی تاریخی شده‌اند؛ بحثی آمیخته به سیاست در روزگار پس از رسول الله (ص) و احتجاج حاکمان و سیاست‌بازان در برابر فاطمه اطهر (س) به حدیثی مجعول که «پیامبران میراثی وانمی‌نهند» و پاسخ آن و نقد و تحلیل ژرف روشنگرانه (ج ۲، ص ۲۶۶-۳۱۳). بحث‌های فقهی و کلامی به ویژه بحث‌های کلامی بین‌الادیانی آن بزرگوار در مناسبت‌ها بسی خواندنی است. به هر حال فهرست موضوعات برای این تفسیر بسی لازم بود. پژوهش محققان سودمند و ارجاع و مصدریابی آنها دقیق و کارآمد است. شکر الله مساعیهم الجمیله محمدعلی مهدوی راد

قرآن مجید، ترجمه انگلیسی، مترجم: مولانا محمدعلی، تاریخ نشر



۱۹۹۱، نشر: انجمن احمدیه اشاعه اسلام.

فرقه قادیانی که امروزه به عنوان فرقه احمدیه شناخته می‌شود، در سال ۱۸۸۹ میلادی توسط غلام احمد قادیانی از مردم قادیان پاکستان بنیانگذاری شد. با توجه به نوع تعالیم و آموزه‌های این فرقه، گروهی بر این عقیده

هستند که فرقه مزبور، زاییده جریان سازی دینی انگلیسی‌ها در اواخر قرن نوزدهم در خاورمیانه است.

عمده تعالیم فرقه یاد شده را می‌توان در چهار امر خلاصه کرد:

۱. مسیح زنده است و رجعت می‌کند؛
۲. حضرت مهدی مظهر مسیح (ع) و محمد (ص) است که در غلام احمد قادیانی تجلی پیدا کرده؛
۳. جهاد با شمشیر حرام است؛
۴. نبوت پایان پذیرفته، ولی الهام و ارتباط با عالم قدس پایان نیافته است.

استشفاع الی الله، استشفاع به مقربان از اموات و شفاعت بحث شده است. نگارنده در مقامی دیگر گفته است که تفسیر و تبیین مفسران از «عبادت» و مفهوم دقیق آن غالباً دچار مشکل است، دقیق‌ترین تفسیر از مفهوم «عبادت» را بلاغی در بحث کوتاه خود، ذیل «ایک نعید» ارائه داده‌اند که اکنون مجال تفصیل آن نیست.

به هر حال، تفسیر «آلاء الرحمن» در دو بخش و یک مجلد نشر یافته بود: بخش اول در ۳۹۲ ص به قطع وزیری، شامل مقدمه تفسیر و تفسیر سوره حمد و سوره بقره و سوره آل عمران؛ بخش دوم در ۱۴۹ ص، شامل تفسیر سوره نساء تا آیه ۵۸.

بخش تحقیقات «بنیاد بعثت» سال‌ها پیش به تحقیق، تصحیح و نشر شایسته آن همت گماشت. این چاپ در دو جلد سامان یافته است. جلد اول شامل مقدمه تفسیر و تفسیر سوره حمد و بقره و جلد دوم شامل تفسیر سوره آل عمران و ۵۸ آیه از سوره نساء.

محققان برای تحقیق و تصحیح چاپ «صیدا» را اصل قرار داده. و احادیث منقول و اقوال تفسیر را به منابع اصلی ارجاع داده‌اند؛ گرچه مؤلف از منابع واسطه نقل کرده باشد.

مؤلف بزرگوار، خود حواشی و تعلیقاتی بر کتاب داشته است. همه آن حواشی در این چاپ آمده و با جمله «منه قدس سره» از حواشی محققان متمایز شده است. شرح حال اعلام و رجالی که از آنها در متن یاد شده است، به اجمال آمده و منابع شرح حال آنان یاد شده است. محققان کوشیده‌اند با دقت در متن و سنجش متن با منابع و مصادر، متنی استوار و متقن عرضه کنند. آنان در پانویس‌ها و اژه‌های دشواریاب را توضیح داده‌اند، و گاه توضیحاتی برای تبیین مطالب متن افزوده‌اند. در پایان جلد دوم فهرست‌های فنی را قرار داده‌اند: فهرس احادیث، اعلام، اشعار و مصادر و مراجع تحقیق و کتاب‌های یاد شده در متن. گفتیم کتاب علامه بلاغی گزیده گویانه است، و تفسیر آیات - گو اینکه بسی استوار و روشنگرانه است - در نهایت اختصار به قلم آمده است؛ اما گاه مؤلف لازم دانسته است که عنان قلم را رها کند و به مناسبت‌هایی بحث‌های موضوعی گسترده‌ای را رقم زند. افزون بر این، موضوعات بسیاری نیز در ذیل آیات به اختصار تفتیح و تبیین شده است. از این روی جای فهرستی موضوعی و دقیق در میان فهرست‌های محققان خالی است.

نمونه‌هایی را یادآور می‌شویم: در جلد اول به مناسبتی که از «حذف» در کلام سخن رفته است، مؤلف یادآوری کرده‌اند حذف آنچه از سیاق کلام فهمیده می‌شود، از ابواب بلاغت نزد عرب است و در نثر و شعر آنها فراوان نمونه دارد. برای اثبات

هم آهنگ کردن قرآن‌های اصحاب و توجیه کار وی و اصالت آن بحث پایانی این مقدمه است.

مترجم افزون بر این مقدمه کلی، در آغاز هر کدام از سوره‌ها مقدمه‌ای کوتاه ارائه می‌کند که در آن مهم‌ترین موضوعات مطرح شده در سوره، علت نامگذاری و بحث‌هایی را که به کل سوره مرتبط است می‌آورد. مترجم آنگاه شروع به ترجمه آیات می‌کند. از جمله نکات قابل توجه در ترجمه وی، ترجمه حروف مقطعه است. به عنوان نمونه «الم» در آغاز سوره بقره را چنین ترجمه کرده است: I, Allah, am the best knower. در توجیه این تفسیر ضمن بیان دیدگاه‌های گوناگون درباره مفهوم این کلمات، یادآور می‌شود که الف اشاره به انا، لام اشاره به الله و میم اشاره به عالم است و خداوند از کلمه انا، اولین حرف و از کلمه الله، حرف وسط و از کلمه عالم، حرف آخر را برگزیده است.

مترجم با دادن عناوین به بخش‌های گوناگون هر سوره به نوعی به موضوع بندی سوره‌ها پرداخته است. وی تلاش کرده ترجمه‌ای روان از قرآن ارائه کند و به مقدار زیادی از دخالت باورهای فرقه‌ای خود در ترجمه قرآن پرهیز کرده است. ولی این امر در بخش تفسیر همواره مورد توجه قرار نگرفته است و دقت در تفسیر پاره‌ای از آیات، گرایش‌های فرقه‌ای وی را نشان می‌دهد که برجسته‌ترین آن در مبحث خاتم الانبیاء (ص ۸۱۲) است. وی تلاش کرده ضمن ارائه تفسیری برای خاتم، به پایان گرفتن اصل نبوت و بقای ارتباط قدسی و الهام به پاره‌ای از پیروان مخلص اسلام تأکید کند. بحث وی را ذیل آیه مزبور به تفصیل در ذیل می‌خوانید:

«واژه خاتم به معنای مهر، آخرین قسمت و یا قسمتی از چیز است. مفهوم اخیر معنای اصلی واژه خاتم - به کسر تاء - است. خاتم القوم همواره به مفهوم آخرین نفر و آخر القوم می‌باشد. از آنجایی که پیامبر اکرم (ص) بدون تردید آخرین پیامبران است و حتی تاریخ، ظهور هیچ پیامبری پس از وی را در جهان گزارش نمی‌کند، قرآن کریم واژه خاتم و نه خاتم را برای وی برگزیده است. و مفهوم عمیق آن در واژه خاتم به مفهوم مهر وجود دارد و نه واژه خاتم به معنای پایان. و از این روی واژه یاد شده به این امر اشاره می‌کند که خاتمیت با ادامه تکمیل نبوت توسط پیروان مقدس و مخلص وی قابل جمع است. او مهر و خاتم پیامبران است؛ چون با آمدن ایشان موضوع پیامبری در شکل تجلی اراده الهی در جعل قانون راهنمای انسان با نزول قانون عالی قرآن کامل شده است. وی مهر و خاتم پیامبران است؛ چون لطف

این فرقه یکی از گروه‌های بسیار فعال در خارج از مرکز پیدایش خود (پاکستان) است و در بسیاری از کشورها خود را نماینده واقعی اسلام معرفی می‌کند. شیوه تبلیغ این گروه تا حدود زیادی برگرفته از روش‌های مسیحی است. بنیان‌گذاری مدارس ابتدایی، دبیرستان و دانشگاه؛ ساختن بیمارستان و کلینک و ارائه خدمات بهداشتی در کشورهای جهان سوم، نشر کتاب و جزوه و به ویژه کتاب‌های همراه، چاپ و نشر قرآن، اعزام مبلغ و سخنران، از جمله کارهای متداول آنان می‌باشد. توجه به ترجمه و نشر قرآن به زبان‌های گوناگون در رأس برنامه‌های تبلیغی آنان قرار دارد. بیشترین ترجمه قرآن به زبان‌های دیگر در شکل ترجمه کامل و یا ترجمه پاره‌هایی از قرآن و به ویژه ترجمه و نشر جزء آخر آن، مربوط به این گروه است.

از جمله ترجمه‌های پر نشر این گروه، ترجمه قرآن به زبان انگلیسی توسط مولانا محمدعلی است. وی یکی از نویسندگان پرنویس این فرقه می‌باشد، و کتاب‌هایی به زبان انگلیسی و اردو، از قبیل «دین اسلام»، «حضرت محمد»، «خلیفه اول»، «بیان القرآن» در سه جلد، «تفسیر صحیح بخاری»، «مقام الحدیث» و «نبوت در اسلام» نوشته است. ترجمه و تفسیر وی از قرآن کریم یکی از قدیمی‌ترین ترجمه‌ها به زبان انگلیسی است. اولین چاپ آن در سال ۱۹۱۷ میلادی بود و در سیال ۱۹۵۱ میلادی در چاپ چهارم، مترجم آن را دوباره ویراستاری کرد و با مقدمه‌ای که بیانگر چگونگی استقبال مردم و دانشوران از ترجمه وی است، نشر داد.

این ترجمه با مقدمه‌ای نسبتاً طولانی شروع می‌شود. مترجم در این مقدمه نخست بحثی درباره تاریخ و چگونگی نزول قرآن ارائه می‌کند. تأثیر و نقش بزرگ اسلام در جهان را می‌نماید و اینکه چگونه قرآن توانست از مردمی بی سواد و بت پرست قدرتی بزرگ و تأثیرگذار به وجود آورد. رابطه قرآن با کتب آسمانی پیشین، بحث بعدی آن است که در آن چگونگی تاریخ‌نگاری قرآن نیز بحث شده است؛ دیدگاه آزاد منشانه قرآن نسبت به ادیان دیگر و روش متساهل آن با ادیان و مردم دیگر، بحث بعدی است که در آن در پی نفی اتهام گسترش اسلام توسط شمشیر است. حیات اخروی از منظر قرآن، مبحث دیگر این مقدمه می‌باشد. دیدگاه قرآن نسبت به زن و این که نگرش قرآن به آن نگرشی مترقی است، بحث بعدی وی است. چگونگی گردآوری قرآن و قرآن‌هایی که اصحاب پیامبر نوشتند، قرائت‌ها و استناد گردآوری و قرائت قرآن به پیامبر (ص)، دستور عثمان به

نبوت برای همیشه به پیروان وی ارزانی شده است .

مقام نبوت تنها برای هدایت انسان از طریق ارائه قانون جدید، رفع عیوب و نقایص قانون قبلی و یا ارائه راهنمایی هایی برای مواجهه با نیازهای زمان است . چون موقعیت جامعه انسانی اولیه، اجازه نزول قانون عالی را که بتواند با نیازهای نسل های گوناگون و مکان های مختلف هماهنگ باشد، نمی داد از این روی پیامبران به طور مداوم ظهور می کردند . ولی از آن جایی که به پیامبر اکرم، عالی ترین قانون ارزانی شده است، قانونی که با نیازهای همه مکان ها و همه نسل ها هماهنگ است و در برابر هر نوع فساد محفوظ نگه داشته شده، مقام پیامبری بیش از این مورد نیاز نیست . ولی این بدان معنی نیست که عنایت های آسمانی که برای بندگان برگزیده ارزانی می شد، از بندگان مخلص دریغ شده است .

انسان ها به قانون جدید نیاز ندارند؛ چون بهترین قانون را دارند . ولی همچنان به عنایت ها و الهام های الهی نیازمندند . عالی ترین این عنایت ها، الهام های آسمانی است و اسلام سخن گفتن عالم قدسی با بندگان برگزیده را در حال حاضر نیز - همچون گذشته - قبول دارد؛ اما این افراد به مفهوم دقیق کلمه پیامبر نیستند . طبق حدیثی بسیار موثق پیامبر (ص) فرمودند: «در بین امت من کسانی هستند که با آنان سخن گفته می شود، ولی آنان پیامبر نیستند .» (بخاری، ج ۴، ص ۲۰۰) در بخش دیگر از همین حدیث، از این افراد به نام محدث یاد شده است . آنچه گفته شد با کلام دیگری از پیامبر اکرم (ص) تأیید می شود که فرمود: «از پیامبری جز بشارت باقی نمانده است .» از وی سؤال شد: «منظور از بشارت چیست؟» وی فرمود: «روای صادقه است .» (۶۹/۸) طبق حدیث دیگری که از وی نقل شده است، فرمود: «روای صادقه مؤمن یکی از چهل و شش شعبه پیامبری است .» (۶۸/۸) پیامبری پایان یافته اما یکی از بخش های آن باقی مانده و برای همیشه در بین پیروان پیامبر اکرم وجود خواهد داشت .

این تفسیر نمونه ای از تلاش وی برای پذیرش دیدگاه افرادی چون غلام احمد قادیانی مبنی بر ارتباط با عالم قدس و تجلی مسیح (ع) و محمد (ص) در وی است .

دیدگاه فرقه احمدیه، نسبت به ادیان دیگر از نوعی تساهل وسیع و گسترده برخوردار است . این دیدگاه را مترجم مزبور افزون بر مقدمه ترجمه، در ضمن آیات مختلف یادآور شده است .

نکته قابل توجه در این ترجمه، همگونی و قرابت بسیار آن با

ترجمه حمید شاکر است؛ به گونه ای که در مقایسه بین دو ترجمه، احساس می شود اقتباسی پر رنگ انجام گرفته است، و جز در تعدادی واژه ها که تغییر جزئی دیده می شود، در کلیت و ساختار بیانی همگون است . اختلاف های موجود چنان محدود و ناچیز است که نمی توان آن را وجه فارق تصور کرد .

✱

اسلام رسانه ها، ادوارد سعید، ترجمه اکبر افسری، تهران، توس، ۱۳۷۹، ص ۲۶۳ و زیری .



انسان زیباخواه و زیباجو است . از خوبی ها، زیبایی ها، شایستگی ها، ارزش ها و هر آنچه در حوزه خوبی ها است، خشنود می شود و به آن دل می بندد و از زشتی، بدی، بی لیاقتی و هر آنچه به این قلمرو مرتبط است، متنفر و از آن گریزان است . ادبیات، هنر

و فنون زاینده روح زیباجویی و پاسخی به نیاز زیباخواهی انسانی است . پذیرش امری از سوی انسان یا به طور کامل وابسته به ارائه زیبا آن است و یا بخش عمده آن در گرو چنان ارائه و عرضه می باشد . حضور باطل و نادرستی در مجموعه باورها و پذیرفتنی های جامعه بشری، تا حدود زیادی از عرضه آراسته و زیبای آن ناشی می شود و در مقابل، گریز از درستی و خوبی نیز مدیون کج سلیقگی و بی ذوقی مدافعان درستی ها و خوبی ها است .

اسلام در عصر حاضر در قلمرو خویش و در بیرون از آن به طور گسترده از این آفت و بیماری رنج می برد . مدافعان بی ذوق و نااهل و مخالفان زیرک و تیزهوش، بخشی از دام تار عنکبوتی است که به دست و پای اسلام در جهان معاصر بسته شده است . مدافعان سنتی اسلام همواره بر طبل طرد و نفی کامل می کوبند و حتی واقعیت های آشکار و ملموس را انکار می کنند و بی آن که به مرزی بین عملکرد مسلمانان و متن اسلام قایل شوند، به نام دفاع از اسلام همه چیز را نفی و یا اثبات می کنند . مطلق گرایی و پرهیز از پذیرش اصل نسبت در برداشت های بشری از دین موجب شده است مدافعان سنتی اسلام در جهان معاصر به اجبار از هر برداشتی از دین و هر عملکردی مبتنی بر آن و یا با آمیزه ای از خواست های نفسانی، به نام دین از آن دفاع کنند . نتیجه غیر قابل تردید چنین فرایندی، مسلح کردن دشمن تیزهوش و

قدرت مند به سلاح برنده فرهنگی - تبلیغی است .

جنگ صهیونی که غرب در عرصه تبلیغات علیه فرهنگ شرقی و به ویژه فرهنگ و تمدن اسلامی به راه انداخته است ، دو سویه کاملاً هماهنگ دارد . سویی از آن در درون جوامع شرقی و به ویژه جامعه های اسلامی و در عملکرد مدافعان سنتی حاکم در جهان اسلام قرار دارد که مظهر و نمود آن در چالش ها و خشونت های توجیه ناپذیر به نام اسلام و با هدف دفاع و حراست از حاکمیت و استمرار قدرت حاکمان است و سویی دیگر آن انتخاب ها و گزینش های حساب شده از عملکرد حاکمان یاد شده برای ارائه به جهان غرب به عنوان معرفی اسلام است که از سوی رقم زنندگان فرهنگ عامه در رسانه های گوناگون و پر قدرت غربی ، انجام می گیرد .

بررسی موردی «چگونگی ارائه اسلام در رسانه های غربی» یکی از پروژه های ارزشمندی است که باید مدافعان راستین اسلام به آن بهای لازم را بدهند و از این رهگذر آگاهی های مورد نیاز برای تعیین خط مشی درست و کارآ برای دفاع از کیان اسلام در جهان معاصر را به دست آورند . چنین مطالعه ای به طور جدی مورد غفلت قرار گرفته و از سوی مسلمانان کار قابل تقدیر و شایسته ای انجام نگرفته است . مطالعه ای نه جانب دارانه و نه کینه توزانه ؛ بلکه واقع بینانه ای لازم است تا فرایند ارائه اسلام در رسانه های غربی به خوبی شناسایی گردد . گرچه نتیجه چنین مطالعه ای ممکن است برای مدافعان سنتی اسلام چندان خوشایند نباشد ، ضرورت آن همچون داروی تلخی است که برای نجات روند «دفاع از اسلام» حکم شفا را دارد و خوشایندی و ناخوشایندی نمی تواند نقشی کارساز داشته باشد . ادوارد سعید ، مسیحی فلسطینی تبار آمریکایی در مجموعه مقالات «اسلام رسانه ها» تا حدودی به این موضوع پرداخته است . ادوارد سعید یکی از نادر نویسندگان غرب است که تلاش می کند رابطه شرق و غرب را به دور از سایه سنگین اطلاعات ساختگی رسانه های غربی ، مورد پژوهش قرار دهد و واقعیت های موجود در ورای اطلاعات رسانه ای را بنمایاند . وی در این راستا چندین اثر از خود بر جای گذاشته که آخرین و صریح ترین آن «اسلام رسانه ها» است .

خود درباره کتابش می نویسد :

موضوع مورد بحث من در اسلام رسانه ها ، زمان معاصر و کاملاً نزدیک به ما است . برخوردها و پاسخ های آمریکا از اوایل دهه هفتاد [قرن حاضر] نسبت به مسائل جهان اسلام با برداشت خاص خود که در گستره وسیعی مطرح است .

ادوارد سعید از چند جهت برای چنین بحثی شایستگی دارد : نخست آنکه وی متعلق به جهان اسلام نیست و به طور طبیعی مباحث را جانبدارانه مطرح نمی کند و از بیان ضعف ها و کاستی ها در عملکرد مسلمانان ابایی ندارد و به خوبی می تواند آن بخش از کارهای مسلمانان را که زمینه لازم برای سوء استفاده و تهاجم خبری غرب در اختیار آنان قرار می دهد ، تبیین کند . دو دیگر آنکه وی متعلق به فرهنگ شرقی است و فرهنگ اسلامی نیز بخشی از فرهنگ و تمدن شرق می باشد و بدیهی است همچون بسیاری از غربیان از واقعیت های ریز و درشت جوامع اسلامی بی خبر نیست و براحتی می تواند واقعیت ها را حتی در شرایط نامساعد خبری غرب ببیند و بین آنچه که اسلام و مسلمانان می گویند و بین آنچه که رسانه های غربی از اسلام ترسیم می کنند ، فرق بگذارد .

سه دیگر آنکه ادوارد سعید ، نه خود را غربی می پندارد تا نسبت به فرهنگ غرب تعلق خاطری شیفتگی آور ایجاد کند و نه با فرهنگ اسلامی گذشته ای تلخ دارد تا به کینه توزی کشانده شود . بنابر این می تواند هم از شیفتگی رها باشد و هم در دام کینه توزی گرفتار نگردد .

چهارم آنکه ادوارد سعید در زمینه شناخت سیاست های خبری غرب صاحب نظر است و می تواند بدون گم کردن خطوط اصلی و در عین حال کم رنگ سیاست های خبری رسانه ها ، به تحلیل مباحث مطروحه در رسانه ها پردازد و حقایق را از لابلای انبوه پیرایه ها و آرایش ها بیرون بکشد .

این ویژگی ها است که ادوارد سعید را به قول تونی مورسون برنده جایزه نوبل ، به «استادی بی پروا در ظرفیت های تحلیل ادبی و اجتماعی» تبدیل کرده است و به تعبیر هفته نامه گاردین وی «... متعلق به آن گروه دوچک روشنفکران امریکایی است که درباره جهان ، پیرامون حرفی برای گفتن و قلمی دلپذیر در نوشتن دارد» . (از منقولات مترجم در پشت کتاب درباره سعید و کتاب «اسلام رسانه ها»)

کتاب ادوارد سعید دو مقدمه ، نه مقاله و یک بعدالتحریر دارد . در مقدمه ای که وی برای چاپ اول کتاب خود در سال ۱۹۸۰ نوشته است ، از روش برخورد رسانه های غربی با مسئله «اسلام و خاورمیانه و به طور کلی شرق» سخن می گوید و بر این باور است که بر خلاف دیگر موضوعات در این باره برخورد محققانه و کارشناسانه انجام نمی گیرد و رنگ غالب برخوردها تبلیغی و سطحی و هدف دار است و همین امر مانع جدی برای مردم غرب در راه شناخت اسلام است و تأکید می کند :

درباره مسأله اسلام، آنچه را که کارشناسان و سیاست‌بازان و خط‌مشی‌سازان به استحکام و تأیید می‌گویند نمی‌توانم تأیید کنم؛ بلکه برعکس معتقدم که این اظهار نظرها بیش از آنکه در شناخت جوامع و انسان‌ها کمکی باشد، مانعی به حساب می‌آید؛ اما آنچه من واقعاً بدان اعتقاد دارم و وجود یک حس انتقادی، وجود شهروندی که می‌خواهد آن سوی منافع خاص کارشناسان و باور «سفارش شده» به ایشان گام گذارد، بوده و هست. با کاربرد ماهرانه قرائت انتقادی مناسب برای آنکه با معنا را از بی‌معنا جدا سازد، با پرسش‌های درست و انتظار پاسخ‌های درست هر کس می‌تواند در مورد اسلام و مردان و زنانی که درون آن زندگی می‌کنند و زبانی که با آن سخن می‌گویند و هوایی که تنفس می‌کنند و تاریخ و جوامعی که پدید می‌آورند، بیاموزد و اطلاع به دست آورد. در اینجا است که معرفت انسانی آغاز شده و مسؤولیت اجتماعی برای به عهده گرفتن آن شروع می‌گردد. من برای نیل به چنین هدفی است که این کتاب را نوشته‌ام. (اسلام و رسانه‌ها، ص ۵۹)

مقاله «بعد التحریر» در سال بعد نگاشته و از آنجایی که حادثه مهم و خبرساز آزادی‌گروگان‌های امریکایی در این فاصله اتفاق افتاده و به طور طبیعی بازار گزارش درباره تندخویی و خشونت مسلمانان و مظلومیت و سختی کشیدن‌های گروگان‌ها داغ گشته، ادوارد سعید این موضوع را به طور مستقل بحث کرده و به کتاب افزوده است.

بخش اول کتاب، عنوان «اسلام و غرب» را دارد. نویسنده می‌کوشد زیربنای برخورد غرب را با اسلام روشن کرده، همه برخورد‌های خبری و رفتارهای سیاسی، اقتصادی، نظامی و غیره غرب را ناشی از این پایه و اصل و با عنایت به آن تفسیر و تحلیل کند. وی بر این باور است که «لااقل از قرن هیجدهم تا زمان ما، واکنش‌های غرب به اسلام تحت سلطه نوعی اندیشه ساده شده‌ای درباره آن است که هنوز هم می‌توان آن را شرق‌شناسی نامید. اساس و پایه شرق‌شناسی نوعی تقسیم و دو قطبی کردن جغرافیایی است که جهان را به دو بخش خیالی و در عین حال کاملاً مجزای «ما» و «دیگران» تقسیم می‌کند. بخش بزرگ‌تر و «متفاوت» شرق نامیده شده و دیگری که متعلق به «ما» است، مغرب یا غرب. (ص ۷۴)

ادوارد سعید با کشف این زیربنا اثبات می‌کند که رسانه‌های غربی خود را همواره در یک جنگ با «دیگران» که در اینجا منظور شرق و به ویژه اسلام است، می‌بینند و رنگ غالب بر تحلیل‌ها و گزارش‌ها همین رنگ است. وی برای اثبات مدعای خود موارد

فراوانی به عنوان نمونه ارائه می‌کند. مقاله بعدی کتاب با عنوان «مراکز تفسیر» است که در آن نقش نفت خاورمیانه در چگونگی شکل‌گیری ذهنیت تحلیل‌گران مسائل خاورمیانه و به ویژه اسلام را در رسانه‌های غربی نشان می‌دهد. مقاله دیگر عنوان «شاهزاده خانم سعودی» را دارد که ادوارد می‌کوشد چگونگی بهره‌گیری رسانه‌های غربی از یک سوژه جنسی - قضایی در عربستان را تبیین کند. وی در همین مقاله مفهوم «اسلام و مواجهه آن با خطر» را از دید حاکمان کشورهای اسلامی می‌نمایاند. ادوارد با تیزهوشی نشان می‌دهد که غیرت دینی حاکمان جهان اسلام تنها زمانی به غلیان می‌آید که منافع شخصی آنان در خطر باشد و گرنه چندان دل در گرو دفاع از اسلام ندارند. وی می‌نویسد:

وقتی مناقشه شاهزاده خانم فروکش کرد، دولت سعودی فراموش کرد که به مقاله‌ای که اریک هوفر در امریکن اسپکتور به نام «محمد پیامبر رخوت» نوشته بود، کوچک‌ترین پرخاشی به این مقاله موهن بکند... چگونه است که اسلام تنها در جاهای معینی صدمه می‌خورد؛ اما در جاهای دیگر در امن و امان است. (ص ۱۴۲)

مقالات جنگ مقدس، ایران از دست رفته، فرضیات مکتوم و بررسی ناشده و مقاله سرزمینی دیگر، همه با محور قرار دادن موضوع ایران و حوادث آن، از قبیل جنگ عراق علیه ایران، سقوط شاه و موضع‌گیری‌های گوناگون امام خمینی در حوادث گوناگون، به چگونگی برخورد رسانه‌های غربی با اسلام می‌پردازد. فرضیه‌های ارائه شده برای تفسیر حوادث یاد شده و فرضیه‌های قابل طرح ولی طرح نشده، محتوای این مقاله‌ها را تشکیل می‌دهند.

در مقاله جنگ مقدس ادوارد سعید نشان می‌دهد که چگونه رسانه‌های امریکایی تلاش می‌کردند در هر تحلیل و گزارشی درباره ایران مقوله خشونت اسلامی را به تصویر بکشند و حتی در مواردی تقابلی بین زندگی در جهان اسلام و جهان غرب ارائه کنند تا از این زاویه خشونت در میان مسلمانان را به آموزه‌های دینی آنان نسبت دهند. در موردی چنین می‌آورد:

«در شبکه ABC، بخش تفسیری درباره اسلام در واقع سه دقیقه درباره اسلام با تصویر سخن می‌گفت که در سمت راست تصویر عنوان ریزی درباره همان ماجراهای نابل‌سزیر بود ماجراهایی که جز خشم، سوءظن و تحقیر را درباره «اسلام» روا نمی‌داشت مسلمانان، مکه، چادر، پرده، سنی، شیعه (همراه با تصاویری از مردان جوانی که سینه زنی می‌کردند) ملا، آیت

نقش قدرت را در این قبیل پژوهش می‌نمایاند و بازده غیر واقع بینانه چنین پژوهش‌هایی را نشان می‌دهد. وی در مقاله پایانی با عنوان «دانش و تفسیر آن» به ضرورت تفسیر درست آگاهی‌ها و اطلاعات به دست آمده اشاره می‌کند و برای خوانندگان غربی تأکید می‌کند که به تفسیرهای ارائه شده از سوی مفسران هوشمندانه بنگرند و توجه داشته باشند که حقایق و داده‌ها در تعبیر و تفسیر هستند که اهمیت پیدا می‌کنند. بنابراین به چگونه تفسیر شدن، از سوی چه کسی تفسیر شدن، در چه شرایطی تفسیر شدن، با چه پیش فرض‌هایی تفسیر شدن و با چه هدف تفسیر شدن، درباره هر رخدادی دارای اهمیت است.

ادوارد سعید پس از گذشت مدتی به چاپ دوم کتاب مبادرت می‌کند و در این مدت حوادث جدیدی به وجود می‌آید که دیدگاه‌های وی را درباره چگونگی برخورد رسانه‌ها با اسلام اثبات می‌کند. وی در مقدمه چاپ جدید به تفسیر و تحلیل موضع رسانه‌ها در برابر این حوادث می‌پردازد و کتاب خود را به روز می‌کند.

نکته‌ای که در مطالعه کتاب ادوارد سعید به روشنی خود را نشان می‌دهد، عدم التزام وی به طرفداری از اسلام و یا انقلاب اسلامی ایران است. دفاع ادوارد سعید از انقلاب یا اسلام به عنوان دفاع از حق انتخاب انسان‌ها است و به مفهوم درستی و یا نادرستی چنین حوادثی نمی‌باشد. ادوارد سعید بر این باور است که مردم ایران با هر پیش زمینه‌ای و با هر انگیزه‌ای انتخابی انجام داده و حکومتی را کنار زده و حکومت دیگری را سر کار آوردند، این انتخاب باید محترم شمرده شود و حق مردم دنیا است که از حوادث و جریان‌های پیش آمده در طول تحقق انقلاب و پس از آن اطلاع درست به دست آورند و نباید چنین حوادثی، ابزار ظهور و نمود کینه‌توزی‌ها گردد و اگر واقعیت‌ها آن گونه که هستند گزارش گردند، مردم دنیا تصویری روشن‌تر از حوادث پیدا خواهند کرد و تصمیم درست‌تری خواهند گرفت. و صاحبان رسانه‌های جهانی از نظر اخلاقی حق ندارند واقعیت‌ها را آن گونه که خود می‌خواهند، گزارش کنند و افکار عمومی را گمراه سازند. به تعبیر دیگر ادوارد سعید، از حق درست فهمیدن جامعه خود، یعنی مردم آمریکا دفاع می‌کند و از ظلمی که به مردم آمریکا در راستای انحراف از فهم درست حوادث پیش آمده شاکمی است و انتظار دارد رسانه‌های غربی با شنوندگانش صادق باشند و به حق فهمیدن احترام بگذارند.

مترجم، کتاب را بر پایه چاپ جدید ترجمه کرده است. متأسفانه متن اصلی کتاب در دسترس نیست تا به چگونگی و

الله خمینی و بالأخره ایران پس از این تصاویر بر نامه یک راست می‌رفت سراغ جانسویل در ایالت ویسکانسین که شاگرد مدرسه‌های پر نشاط و سالم را - دور از چادر و چاقچور و حد شرعی و یا حضور ملاءها در میان بچه‌ها - نشان می‌داد که مشغول سازمان دادن برنامه‌های وطن دوستانه (روز اتحاد) هستند. (ص ۱۵۲)

در مقاله ایران از دست رفته چگونگی تلقی رسانه‌های آمریکایی از ایران بعد از شاه را بررسی می‌کند. در این مقاله نشان می‌دهد که به جز تعداد انگشت شماری از تحلیل‌گران مسایل ایران که ذهنیتی از پیش طراحی شده نداشتند همه بر فاجعه خروج ایران از دایره نفوذ آمریکا تأکید می‌کردند و هر تلاشی برای بازگرداندن آن به دایره نفوذ جهانی آمریکا را مفید تلقی می‌کردند ادوارد سعید از مقاله‌ای که در واشنگتن پست درباره ایران نوشته شده چنین نتیجه‌گیری می‌کند:

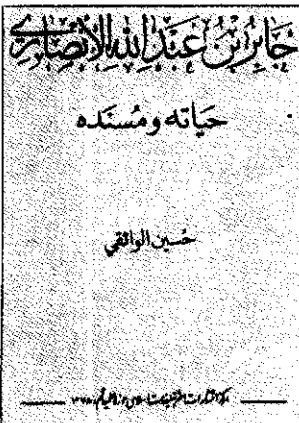
«آنچه که در مقاله کرافت روشن است بیش از هر چیز این است که نامبرده این انقلاب را که در ایران پیش آمده قبول ندارد - علاوه بر انقلاب هر چه که به آن هم مربوط است، آیت الله، اسلام و ایرانیان از دیدگاه او می‌بایست مورد تجدید نظر قرار گیرند و آنها به عنوان اموری استثنایی و نامعقول شناخته شوند ... از اینها گذشته نسخه کرافت در خود آموزشی دارد خالی از هرگونه زمینه اخلاقی، چه او همه جا از قدرت دم می‌زند. از قدرت آمریکا که دنیا را تحت سلطه دارد و باید داشته باشد اگر در این فسریند او درصدد انکار حق مردمی برآمده است که می‌خواهند حکومت خود را به دست خود تغییر دهند چنانکه این کار را هم انجام دادند مسأله قابل توجه و مهمی برای او نیست او می‌خواهد که دنیا آمریکا را از دیدگاه قدرت آمریکا بشناسد (و شناخته شود) بقیه حرف مفت است». (ص ۱۶۶)

بر همین پایه بود که از نظر سیاستمداران آمریکایی کمک به عراق برای راه اندازی جنگ علیه ایران، توجه ویژه به رژیم ترکیه، مصر و عربستان و رویکرد ویژه به مسایل قومی در داخل ایران توجیه اخلاقی پیدا می‌کرد زیرا همه اینها در دایره مسایل و منافع آمریکا مطرح می‌شد.

ادوارد سعید در مقاله «فرضیه‌های مکتوم» کوشش می‌کند روش رسانه‌های آمریکایی در مخفی نگه داشتن فرضیه‌های واقع بینانه درباره چرایی سقوط شاه و روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی، را نشان دهد و تحلیل‌هایی را که برای انحراف افکار عمومی آمریکا در این باره ساخته و پرداخته می‌شد، بنمایاند.

مقاله «قدرت و دانش» به گمراهی مراکز تحقیقات دانشگاهی و علمی درباره تفسیر اسلام و حوادث جهان اسلام می‌پردازد و

جابر بن عبدالله الأنصاري حياته و مُسنده، حسين الواثقى، مركز



انتشارات دفتر تبليغات اسلامى
حوزه علميه قم، چاپ اول،
۱۳۷۸، ۴۵۶ص، وزيرى، عربى.
جابر بن عبدالله انصارى،
زندگى نامه و گزیده روایات،
حسین واثقى، مرکز انتشارات
دفتر تبليغات اسلامى حوزه
علميه قم، چاپ اول، ۱۳۷۹،
۲۰۰ص، وزيرى، فارسى.

يکى از چهره های نامدار دوره

آغازین اسلام، جابر بن عبدالله انصارى است. پیش از هجرت پیامبر (ص) به مدینه، جمعی از اوس و خزرج برای دیدار و گفتگو با آن حضرت به مکه و منی رفته بودند. جابر خردسال ترین آنان بود که با حضرت بیعت کرد. (ص ۳۶)

پس از هجرت، در ده سالی که حضرت در مدینه سپری کرد، جابر دمی از آن جناب چشم برداشت. در حضر و سفر، جنگ و صلح، سختی و آسانی قدم در پی حضرت نهاد و در ضمن کوشش عملی، برانداخته های علمی خود افزود. (ص ۳۶-۶۱)

همچنین روایات فراوان او در فضائل و مقامات اهل بیت، نشان اعتقاد و دلمشغولی جابر به خاندان پیامبر است. (ص ۱۲۷-۳۳۷) امام صادق (ع) فرمود: «جابر از همگان بریده و به ما اهل بیت پیوسته بود.» (ص ۱۳)

پس از رسول خدا (ص)، در دوران خلفا، به پیروی از امام علی (ع) به زندگی عادى روى کرد و آنگاه که زمامداری به دست حضرت افتاد، دوباره به عرصه های اجتماعى برگشت و در جنگ های جمل و صفین و نهروان در رکاب حضرت بود. (ص ۶۲-۶۷)

جابر را یکی از صحابه خاص امام حسن و امام حسین دانسته اند (ص ۷۳-۷۶) و هنگامی که فاجعه کربلا رخ نمود، نخستین کسی بود که از مدینه به کربلا شتافت تا به زیارت سرور شهیدان نایل شود. (ص ۷۷-۸۱)

پس از شهادت امام حسین، که مردم از ترس و فشار زمانه از اهل بیت بریدند، جابر یکی از چند نفری بود که ثابت و استوار در کنار حضرت سجّاد (ع) باقی ماند. (ص ۸۲)

چنین شخصیتی با این ویژگی ها جای آن داشت که موضوع پژوهش قرار گیرد. ثمره این تلاش دو کتاب است یکی به عربی و دیگر به فارسى. کتاب «جابر بن عبدالله الأنصاري حياته و مسنده» شامل دو بخش کلی است:

مقدار توفیق مترجم در انتقال دیدگاه های ادوارد سعید پی برد، اما دقت در متن فارسى نشان می دهد که مترجم دست کم در یکی از دو حوزه فن ترجمه گاه از توانایی لازم برخوردار نبوده. عبارت های کتاب در مواردی بسیار پیچیده و دشوار است. این دشواری ها معمولاً یا ناشی از ضعف در فهم زبان مبدأ است و یا برخاسته از ناتوانی در ادبیات و هنرنویسندگی در زبان مقصد می باشد. در مواردی عبارت ها چنان دیر فهم و دشوار است که برای دست یابی به مقصود مؤلف باید وقتی بیشتر صرف کرد و گاه با افزودن و یا کم کردن کلماتی عبارت را روان و خوانا ساخت. نمونه های نقل شده تا حدودی این مدعا را می رسانند و برای تأکید بیشتر عبارتی در ذیل نقل می گردد که بدون دخل و تصرف معنای محصلی ندارد و از این قبیل عبارت ها بسیار وجود دارد:

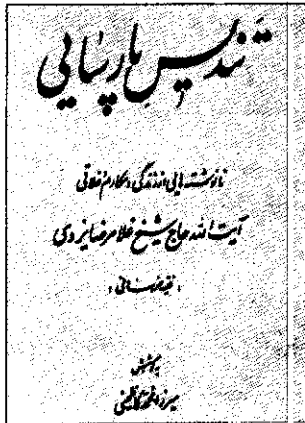
سازندگان فیلم و PBS می دانستند - همان طور هم بسیاری از مسلمانان و مردم جهان سوم - که مسأله اصلی موضوع فیلم نیست، بلکه آنچه به روى صحنه می آید باز نمودن واقعیت نیست، بلکه مسأله امتیاز و توفیقى است که من در جایی دیگر آن را اقتدار فرهنگی و در این مورد اقتدار فرهنگی غرب نامیده ام. این صرفاً حرف مهملى است که سعودی تنها پول زیادی دارد. تولید مؤثر و محتوای پخش اخبار و تصاویر از پول قوی تر است؛ چون اینها است و نه تنها دارایی سعودی ها که کل نظام آن در غرب مورد پرسش قرار می دهند. (ص ۱۳۹)

این دست عبارت های ناستوار در سرتاسر کتاب وجود دارد که اگر پیش از نشر به دست ویراستاری چیره دست سپرده می شد، به حتم کتاب از سلاست و روانی لازم برخوردار می گشت. البته احتمال آنکه مترجم در فهم متن انگلیسی آن نیز دچار مشکل باشد، بعید نیست؛ چون ادوارد سعید به دشوار نویسی شهره است و همین امر مترجمان آثار وی را با دشواری مواجه می کند. به هر صورت بر ناشر است که در چاپ بعدی کتاب، نقص های دستوری و ویرایشی آن را رفع کند و برای اطمینان خاطر نویسنده، ناشر و خوانندگان کتاب یک بار دیگر با متن اصلی مقابله کند. البته هیچ کدام از این ایرادها ارزش همت مترجم در آشنا ساختن فارسى زبانان با آثار ادوارد سعید را کم نمی کند سعیش مشکور باد.

محمدعلی سلطانی

تندیس پارسایی، میرزا محمد کاظمینی، قم، انتشارات تشیع، ۱۳۷۹، چاپ دوم.

تندیس پارسایی تألیفی است که از زندگی، اندیشه‌ها، عقیده‌ها و آثار تربیتی و تبلیغی یکی از روحانیان و آموزگاران اخلاق در عصر مشروطیت، سخن می‌گوید. مؤلف پس از پیشگفتار و سال شمار زندگی حاج شیخ غلامرضا یزدی، معروف به فقیه خراسانی،



کتاب را در چهار بخش و به ترتیب زیر تدوین کرده است: در بخش اول از کارنامه زندگی، در بخش دوم از مکارم اخلاقی، در بخش سوم از کرامت‌ها و مکاشفه‌های فقیه خراسانی سخن گفته است. در بخش پایانی نیز که چهار پیوست را در بر می‌گیرد، سوگسروده‌هایی در رثای فقیه خراسانی و رساله‌ای از ایشان با عنوان «سی بحث در اصول دین» و ... آورده شده است.

بخش نخست با عنوان «کارنامه زندگی» درازدامن‌ترین بخش کتاب است. این بخش در ده فصل تنظیم گشته است؛ به این ترتیب: در فصل اول (با طرب در طلب) از سفر حاج شیخ به شهر یزد و اصطهباناتی به اختصار سخن رفته است؛ در فصل دوم (علم‌آموزی و خودسازی) نخست از ورود وی به حوزه علمیه اصفهان، سپس از حضور وی در حوزه علمیه نجف اشرف، نیز از استادان او در نجف اشرف، به ویژه از آخوند خراسانی و اصطهباناتی و سید محمد کاظم یزدی سخن گفته شده است. در نهایت نیز از سفر او همراه استادش اصطهباناتی از نجف به شیراز سخن به میان آمده است.

در فصل سوم (نوری در تاریکی) از اقامت حاج شیخ در یزد و شهادت استادش اصطهباناتی در شیراز توسط مخالفان مشروطه، نیز از تبلیغ و تدریس وی و ... سخن گفته شده است. در فصل چهارم (شمع جمع) نیز از برخی اقدام‌های اجتماعی و تبلیغی حاج شیخ، مانند احیای حوزه علمیه یزد، اقامه نماز جماعت و اهتمام به امور خیریه صحبت شده است که مهم‌تر از همه آذوقه‌رسانی شبانه شیخ به گرسنگان و درماندگان در قحطی جنگ جهانی دوم است که شامل حال فقیران یهودی و زردشتی نیز می‌شده است. مطلب مهم دیگری هم در این فصل دیده می‌شود که از آن میان، شکیبایی شیخ بر مرگ پسر جوانش

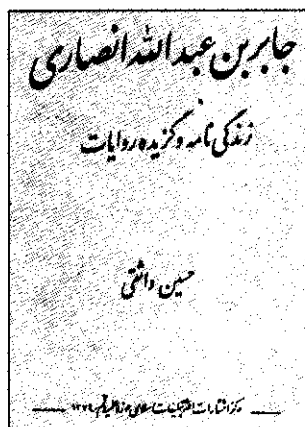
بخش اول، زندگی‌نامه جابر است و در ۱۲۰ صفحه به سامان آمده و حاوی این موضوعات است: خاندان جابر (ص ۱۷-۲۵)؛ جابر با رسول الله (ص) در حوادث مهم (ص ۳۶-۶۱)؛ جابر با امام علی (ع) (ص ۶۲-۶۷)؛ جابر در حوادثی چون فتنه دوره عثمان، حکومت معاویه و واقعه حرّه (ص ۶۸-۷۲)؛ جابر همراه با امام حسن (ع) و امام حسین (ع)، (ص ۷۳-۸۱)؛ جابر با امام سجاد (ع) و امام باقر (ع) (ص ۸۲-۸۹)؛ شخصیت علمی جابر (ص ۹۳-۹۸)؛ سال وفات و مدفن جابر (ص ۹۹-۱۰۶)؛ جابر از چه کسانی روایت می‌کند؟ (ص ۱۰۷)؛ فهرست ۱۶۶ نفری که از جابر روایت کرده‌اند (ص ۱۰۸-۱۱۸).

بخش دوم کتاب (ص ۱۲۱-۴۴۰) در سیزده فصل کلی تنظیم شده، و شامل روایات جابر در این موضوعات است:

۱. سیره رسول الله (ص) به روایت جابر (ص ۱۲۳-۱۵۶)؛
۲. حدیث لوح اخضر (ص ۱۵۷-۱۶۸)؛ ۳. فضائل امیرالمؤمنین (ع) (ص ۱۶۹-۲۶۴)؛ ۴. ازدواج زهرا و علی (ع) (ص ۲۶۵-۲۷۶)؛
۵. فضائل امام حسن و امام حسین (ع) (ص ۲۷۷-۲۸۴)؛ ۶. ابلاغ سلام پیامبر (ص) به امام باقر (ع) توسط جابر (ص ۳۲۳-۳۳۱)؛
۷. مهدی آل محمد (عج) در روایت جابر (ص ۳۳۳-۳۳۸)؛ ۸. اخلاق و آداب در روایات جابر (ص ۳۳۹-۳۷۲)؛ ۹. دعا و عبادت (ص ۳۷۳-۳۸۷)؛ ۱۰. نظریات فقهی جابر (ص ۳۸۷-۳۹۸)؛
۱۱. نظریات تفسیری جابر (ص ۳۹۹-۴۲۰).

در پایان، دو یست مصدر مهم کتاب فهرست شده است.

کتاب دوم «جابر بن عبدالله انصاری، زندگی‌نامه و گزیده



روایات» است که در ۲۰۰ صفحه به فارسی فراهم آمده و در دو بخش تألیف شده است: بخش اول از صفحه ۱۹ تا صفحه ۱۰۳ زندگی‌نامه جابر است با همان موضوعاتی که در کتاب عربی آمده است. بخش دوم (ص ۱۰۵-۱۹۵) گزیده‌ای از روایات جابر است که با شرح و توضیح همراه است.

این بخش خود در دو قسمت سامان یافته است:

یک. آداب زندگی و بندگی در روایات جابر (ص ۱۰۷-۱۴۵)؛ دو. فضایل معصومان (ع) به روایت جابر (ص ۱۴۷-۱۹۵).

محمدحسین کمال



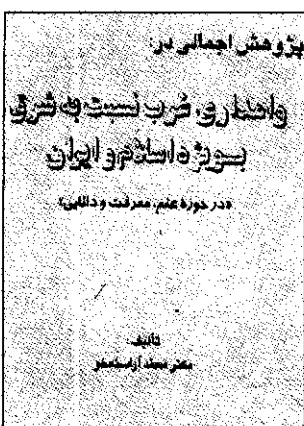
مدارج اخلاقی را از «محاسن اخلاقی» و «فضائل اخلاقی» گرفته بود. نیز فرازهایی از کتاب چنان می‌نماید که حتی از فضائل عبور کرده، به مکارم و «معالی اخلاق» نیز رسیده بود.

برای نمونه نقل حکایت آموزنده‌ای در اینجا مناسب می‌نماید. مؤلف تندیس پارسایی می‌نویسد:

«اوج بزرگواری و انسان دوستی حاج شیخ در حق اقلیت‌های دینی یزد بود. به این موضوع تنی چند از معاصرانش اشاره کرده‌اند. یک فرد دهنوی که در خدمت حاج شیخ بود، تعریف می‌کرد که در سال قحطی چند بار آرد از خیرآباد آورده بودند. او آردها را کیسه کیسه کرده بود و به من فرمود: به چهار سوق بروم و جلو درخانه‌ها بگذارم. به حاج شیخ گفتم: فلانی یهودی است. حاج شیخ گفت: مگر یهودی خوراك ندارد؟ مگر گرسنگی نمی‌فهمد؟ چه کار به این کارها داری؟ (ص ۸۹).

محمد صحتی

وامداری غرب نسبت به شرق، به ویژه اسلام و ایران (در حوزه علم،



معرفت و دانایی) دکتر محمد آراسته‌خو، مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹، وزیر، ۶۶۱ ص.

مدیون و مرهون کردن غرب به شرق، روزگاری است که موضوع آثار خطابی و علمی شده و ده‌ها و صدها مقاله و کتاب را به خود

اختصاص داده است. اما همگان به یک راه نرفته‌اند: برخی به بیان گذشته افتخارآمیز مشرق زمینان و مقایسه آن با وضعیت علمی-اجتماعی غرب، اکتفا کرده‌اند؛ گروهی به ردیابی آثار شرقی در فرآورده‌های غربی روی آورده‌اند و بعضی نیز در پی یافتن عللی برای سبقت آنان و کناره‌گیری ما از تمدن و صنعت برآمده‌اند...

کتاب حاضر از جمله پژوهش‌های دامنه‌داری است که برگ و بار آن بسیار است و نویسنده سخت کوش کتاب، به روشی علمی در مقام پاسخ‌گویی به چند و چون وامداری غرب به ایران برآمده است.

در بخشی از «ملاحظات مقدماتی» کتاب، نویسنده پاره‌ای از پرسش‌ها را به میان می‌آورد و در پایان می‌کوشد مطالب کتاب

بسیار آموزنده و جالب می‌نماید و حاکی از روح بزرگ آن روحانی وارسته است. در این فصل، از اجتهاد حاج شیخ، نفوذ اجتماعی وی و مسافرت‌های زیارتی و تبلیغی بسیارش نیز بحث شده است که شامل سفر به مشهد، حج، عتبات عالیات عراق، شیراز و... می‌شود.

در فصل پنجم (پرنده رفتنی است) از سال‌های پایانی عمر شیخ، از وفات و وصال او، نیز از تشییع پرشکوه پیکرش و... سخن‌ها گفته شده است که بیشتر حاکی از زندگانی صمیمی و مردمی او است و حکایت از آن دارد که او با مردم بود و با مردم ماند، تا به سرای باقی پرکشید و رفت. در فصل ششم گزارش مختصر و مجملی از خویشان و خانواده شیخ داده شده است، که در همسران و فرزندان وی خلاصه می‌شود.

در فصل هفتم به آثار مکتوب شیخ پرداخته شده است، که یک ترجمه (ترجمه نماز) و دو رساله کوتاه (رساله در طلب و اراده، و سی بحث در اصول دین) و یک تألیف (مفتاح علوم القرآن) است. با اینکه جز رساله طلب و اراده، سه اثر دیگر شیخ پیش‌تر منتشر شده بود، لازم و ضروری بود که مؤلف محترم، یک بخش از کتاب را به بررسی آثار و اندیشه‌های حاج شیخ غلامرضا یزدی، اختصاص می‌داد. دست کم همین فصل کوتاه را به تفصیل و تحقیق از آثار شیخ به ویژه از شاهکار او - یعنی کتاب مفتاح علوم القرآن - سخن می‌گفت، و موازادی از متن مفتاح که گفته می‌شود اثری قرآنی - عرفانی است گواه آورده می‌شد تا جایگاه نویسنده آن در عرصه اندیشه و اجتهاد و تفسیر و عرفان معلوم می‌گشت.

در فصل هشتم از استادان حاج شیخ نام برده شده و زندگی نامه مختصری از هر یک آورده شده است که عبارتند از آیات عظام: سید محمد باقر درچه‌ای، محمد باقر اصطهباناتی، سیدعلی مدرسی؛ سید محمد کاظم یزدی صاحب العروة، فاضل بسطامی؛ عبدالکریم گزی، آخوند کاشانی، آخوند خراسانی، آیت‌الله بروجردی، آقانجفی اصفهانی، جهانگیرخان قشقایی، ثقة الاسلام محمدعلی اصفهانی مسجدشاهی، آقا نورالله اصفهانی، میرزای نائینی، شیخ هادی تهرانی، میرزا حسین خلیلی تهرانی، شیخ علی بابا فیروزکوهی، میرزا محمود شیرازی، محمدعلی قائینی و شیخ علی اکبر نهبانندی.

در فصل نهم نیز شاگردان شیخ شمرده شده‌اند که نزدیک به چهل شاگرد را شامل می‌شود. در میان آنان نام بعضی از دانشوران پرآوازه معاصر نیز دیده می‌شود.

با مطالعه تندیس پارسایی معلوم می‌گردد که فقیه خراسانی،

معارف ایرانیان در قرون اول تا نیمه پنجم هجری می پردازد. شرایط و روابط اجتماعی- فرهنگی در ممالک اسلامی، به ویژه اعراب و ایران، موضوع و عنوان فصل دوم این بخش است. نویسنده دامنه بحث را در این بخش از کتاب، به دوران معاصر می کشاند و از علل فرهنگی- سیاسی نهضت مشروطه نیز سخن می گوید. وی معتقد است:

«تا نهضت مشروطه، هیچ گونه اقدامی از جانب نخبگان حاکم، در جهت تعلق پذیر کردن مردمان و تقویت اخلاق و مسؤولیت صورت نگرفت؛ بلکه برعکس راهکارهای متضاد و متعارض توسط آنان به میان آمد و دول استعماری غرب و شرق نیز اصل «تفرقه بینداز، حکومت کن» را پیش گرفتند و با توجه به تضعیف مستمر تفکر سنگین و مولد، همه این موانع و مشکلات، سهمگین ترین ضربات را بر باقیمانده پیکره علم، معرفت و دانایی به موازات دوره های باطل امور دیگر وارد آوردند.» (ص ۴۱۱)

نویسنده در فصل دوم، رهیافت و بهره برداری از حکمت ها، علوم و معارف عالم اسلام و ایران را توسط غرب و اروپا برمی رسد. در این فصل، گونه هایی از علوم فلسفی و تجربی که رشد خود را در ایران آغاز کردند و سپس در غرب به یغما رفتند، شمرده می شود و نویسنده با استناد به آرا و اقوال تنی چند از غربیان، بر واداری آنان صحه می گذارد.

«از قرن یازدهم میلادی همه کوشش اروپاییان مصروف ترجمه آثار فلاسفه و دانشمندان اسلام گردید و چون آن زمان، زبان های اروپایی هنوز قادر نبود محتوای علمی و فلسفی را در خود جای دهد و به اصطلاح فقط زبان محاوره بود، لذا ترجمه به لاتین صورت می گرفت.» (ص ۴۵۹)

در این قسمت از کتاب، شواهد بسیاری آورده می شود تا ثابت گردد، اصل آزاداندیشی و پیراستگی از جمود فکری هدیه شرقیان به غربیان بوده است. از قضا، همین فضیلت علمی- اخلاقی است که غرب را برمی کشد و شرق را به انزوا می کشاند.

آخرین فصل کتاب، در پی پاسخ به برخی از سؤال های پیشین است. سپس نویسنده استنباط پژوهشی خود را درباره شش فرضیه پیش گفته باز می گوید و در آخر، چندین پیشنهاد و رهیافت را پیش روی خوانندگان خود می نهد.

وی متغیرهای زیر را که در فرضیه ششم بررسی کرده است، عامل چنین وضعیتی در غرب و شرق می داند:

قدرت و اقتدار؛ حکومت؛ سیاست؛ اقتصاد؛ اداره امور عمومی؛ جهت گیری مدنی و معرفتی؛ فرهنگ خرد و کلان؛

را برای پاسخ به آنها، قالب سازی کند. برخی از پرسش های نخستین بدین قرارند:

۱. مبانی حکمت و معارف و دانش های عام و خاص ایران قبل از اسلام چه بود؟ و نظر جهانیان، چگونه و چرا جلب شد؟ (ص ۷۷).

۲. دلایل رشد، توسعه و غنای فرهنگی، معرفتی، علمی و فنی مردمان مشرق زمین چه بود؟

۳. آیا در مشرق زمین (پیش از اسلام) به نیازهای فیزیولوژیک بیشتر تمایل بود یا به نیازهای ایدئولوژیک؟ یا هر دو؟

۴. غربیان، چه چیزهایی را در کدام زمان، زیر نظر گرفتند و از آنها بهره بردند؟

۵. مبانی نوزایی (رنسانس) غربیان چه بود؟

۶. در حوزه علوم، معارف، حکم و دانایی، واداری غربیان چقدر و چگونه است؟ ... (همان، ص ۷۸)

پس از طرح بیش از ده سؤال، مؤلف شش فرضیه در پاسخ به آنها پیش می نهد. (ص ۸۳)

بخش اول کتاب که همان «ملاحظات مقدماتی» است، بیشتر به روش های پژوهش و شیوه های جمع آوری اطلاعات و دشواری تحقیق در چنین موضوعی، می پردازد. در همین بخش است که نویسنده اهداف خود را از طرح واداری غرب به شرق بیان می کند:

«هدف اصلی، یافتن پاسخ های محققانه و قابل بهره برداری عالمانه برای سؤال های فراوان راجع به محتوای غنی، قویم و قدیم مفاخر و امتیازات علمی، معرفتی، فلسفی و کلاً دانایی و کمال گرایی در جامعه های ایرانی- اسلامی و بعضاً در مشرق زمین یا پرتوافکنی آنها در شرق و غرب است.» (ص ۷۱)

هدف دیگر نویسنده از طرح چنین موضوعی «کاستن از دنباله روی کورکورانه برخی از جوانان نسبت به جامعه، فرهنگ، تفکر و مظاهر غربی است.» (ص ۷۴)

بخش اول کتاب، با بررسی آیین ها، ادیان و برخی از مرام های رایج میان ایرانیان، تا پیش از ورود اسلام، پایان می پذیرد.

فصل های اول و دوم بخش دوم کتاب، درباره کم و کیف، شیوه ها و روش های بهره وری غرب و اروپا از علوم و تمدن های بیگانه است.

در این بخش، نویسنده بیشتر به اعترافات اصحاب فلسفه روی می کند و پاره هایی از سخنان اهل معرفت را در غرب یاد آور می شود.

فصل اول این بخش، به طور مشخص به معرفی علوم و

تفسیر، تعبیر و تأویل فراهم می‌آمد و به یافته‌های نو و پربارتری منجر می‌گردد. « (ص ۵۶۴)

«هنگامی که منشأها، تنوع و تکثر داشته‌های عاطفی و فکری با فرهنگ و معارف مولد و همسوی آیین اسلام تلفیق و تألیف شد، ارتباطات نوینی پدیدار گردید که به نوبه خود تطور، تغیر، تحول و دگرگونی‌های فکری-علمی را سرعت بخشید. « (ص ۵۶۵)

در این پژوهش، نویسنده کوشیده است با طرح دیدگاه‌های گوناگون، کتاب خود را به جامعه‌شناسی علم و جامعه‌شناسی معرفتی، متکی و مجهز کند. لیکن طرح آراء و نقد و بررسی آنها، گاه چنان تو در تو و دامنه دار می‌شود که خواننده را از پی‌گیری مباحث و ربط دادن آنها به یکدیگر باز می‌دارد. چنانچه نویسنده محترم و دانشمند کتاب، به گزیده‌گویی روی می‌کرد و بسیاری از اطلاعات غیر ضروری را از پیرامون موضوع فصل‌ها می‌کاست، به حتم خواننده، امکان استفاده بیشتری از این اثر را داشت.

همچنین نویسنده به حربه اعترافات غریبان، بسیار متوسل می‌شود؛ اگر در کنار استفاده از این مؤلفه مؤثر، هر از گاه مخالفت و انکار برخی دیگر از دانشمندان غربی را نیز باز می‌گفت و در نقد و بررسی آنها نیز کوشش می‌کرد. که گاه نیز چنین کرده است- اعترافات آنان نیز بیشتر به دل می‌نشست و اعتماد می‌افزاید.

با مروری- حتی سطحی- می‌توان فهمید که نویسنده این کتاب، رنج بسیاری در جمع‌آوری اطلاعات بر خود هموار کرده است و در تمام صفحات کتاب، در آرزوی رسیدن به هدف خود و کتابش هست: اثبات و امرداری غرب نسبت به ایران اسلامی. به نظر نگارنده می‌رسد که دست‌بندی مطالب کتاب، چندان خواننده را با خود همراه و همدل نمی‌کند و گاه بر سردرگمی او می‌افزاید. به ویژه نشر کتاب، مغشوش و دور از «نثر معیار» است. عطف‌های پی در پی و برساخته‌های منفرد، از معایب نثر کتاب است.

این کتاب، اولین اثر از سری کتاب‌های «غرب‌شناسی» در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی است و ضمن تحسین نویسنده این اثر، امید می‌بریم که مجلدات دیگر این سری از آثار پژوهشگاه، به روشن‌تر شدن موضوع مربوط کمک کند.

رضا بابایی

تعلیم و تربیت عام و خاص؛ ارزش و معنویت. سپس راهکارهایی را برای بازگشت به تمدن خودی و پیشین پیش می‌نهد:

۱. انضباط و انتظام خود خواسته و خودخواسته؛
۲. بردباری و سعه صدر و گذشت و فداکاری به نفع عامه با نگرش بلند مدت؛
۳. ثبات قدم در معنویت و بنیادی‌تر کردن آن به منظور سازواری با کارکردهای مرتبط؛
۴. نوع دوستی و بشرخواهی، رفع شکاف‌ها، تبعیض‌های ناروا، خودخواهی‌ها و خودمداری‌های آشکار و نهان؛
۵. تعدیل غرایز، شهوات و خودکامگی‌ها برای تعاون فکری، عاطفی و عملی؛
۶. تربیت و تقویت اخلاق مسؤلیت به شیوه‌های سنجیده و سنجش‌پذیر؛
۷. اتخاذ تدابیر متنوع در جهت کاهش باخودبیگانگی‌ها و تربیت و تقویت توانایی آدمی و اعتماد به خود و تعلقات واقعی خودی؛

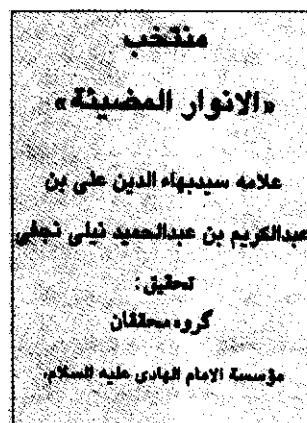
۸. آموزش‌های خاص برای رده‌های مختلف شغلی؛
۹. توجه خاص به «تحقیق در خدمت توسعه و خلاقیت» با کاربرد روش‌های پیشرفته؛

۱۰. ارتباط دادن علوم هدایت‌شده خاص با معرفت‌ها و اعتقادات و ارزش‌های واقعی و صحیح؛
۱۱. تقویت اخلاق ناشی از علم و علم ناشی از اخلاق؛
۱۲. بها دادن به تخصص‌های مختلف دانشگاهی.

به هر روی کتاب حاضر، اطلاعات بسیاری درباره غرب کنونی و شرق دیروز در اختیار خواننده می‌گذارد و وی را با آرا و اقوال دانشمندان بسیاری در این زمینه آشکار می‌کند.

نتیجه‌نهایی نویسنده درباره تعامل اسلام و فرهنگ ایرانی، بدین قرار است: «مهم‌ترین علل و عوامل جوشش، غلبان و ترقی و تعالی آسیای جنوب غربی، خاورمیانه و ایران از لحاظ فرهنگی، معرفتی و علمی مبتنی بر زمینه‌ها و بسترهای عینی و ذهنی، عقلی و ایمانی، دنیایی و عقبایی فرهنگ و معارف بود و چون اسلام نیز واجد چنین ویژگی‌هایی در زمینه بستر خود بود، لذا به سرعت و شتاب، خصائص جدید از میان صفات و خصائص اجزاء و عناصر تشکیل‌دهنده موجود، برآمد. و هر گاه برخی تضادها و تعارض‌های تحمیلی صوری (عینی و ذهنی) پدید می‌آمد، در زمانی اندک جای خود را به تحمل، بردباری و همدلی و همیاری می‌داد و فرصت‌های تأمل، تدبیر،

منتخب «الانوار المضيئة»، علامه سيدبهاء الدين علي بن عبدالكريم بن



عبدالحميد نيلي نجفي (زنده در ۸۰۳ق)، تحقيقات: گروه محققان، چاپ اول، قم، مؤسسه الامام الهادي عليه السلام، ۱۳۷۹ش، ۴۵۰ص (+ ۶۴ص مقدمه)، وزيري. علامه نسابه، فقيه، اديب، شاعر، محدث و مفسر بزرگوار «السيد المرتضى بهاء الدين علي بن عبدالكريم

بن عبدالحميد نيلي» يكي از عالمان و فقيهان بزرگ شيعه در قرن هشتم هجري بوده، كه نامش و آثارش، تاكنون به درستي و شايستگي شناخته نشده است. وي، از شاگردان فخرالمحققين، سيد عميدالدين و سيد ضياءالدين حلي، شهيد اول و تاج الدين بن معيه و استاد احمد بن محمد بن فهد حلي است و داراي آثار فراوان در علوم: كلام، تفسير، رجال، تاريخ، حديث و فقه بوده و به علم نسب، شهرت فراوان داشته است. كتاب ارجمند و گرانسنگ «الانوار المضيئة في الحكمة الشرعية الالهية» اثر مهم او در پنج مجلد و در بر گرفته مباحث كلام، اصول فقه، فقه آل محمد، اسرار و قصص قرآن است. به گفته محدث نوری: «... اين كتاب، بهترين تأليفاتش، به ترتيب بديع و اسلوب عجيب و دربر گرفته حكمة علميه و عمليه، و ابواب فقه محمدي، و آداب و سنن، و ادعيه برگرفته از قرآن مجيد است.» (مستدرک الوسائل ۸/ ۲۴۷) از اين كتاب، محدثين شيعه، همانند علامه مجلسي، شيخ حرّ عاملي و محدث نوري فراوان نقل کرده و بدان استناد نموده اند.

مؤلف، در آغازين فصل كتابش - كه موضوع آن علم كلام است - به صورت شايسته از اصول پنجگانه اعتقادي سخن گفته و آنجا كه به بحث امامت مي رسد، پس از بحث از يكا يك ائمه اطهار - عليهم السلام - زماني كه درباره امام زمان بقيه الله الاعظم - ارواحنا فداء - قلم مي زند، به تفصيل مي گرايد و از جوانب مختلف، حيات آن حضرت را مي كاود. لذا اين قسمت از كتاب، بسيار شيرين و خواندني بوده و مورد توجه فراوان محدثين و مورخين قرار گرفته و عالمي - كه نامش بر ما پوشيده است - دست به انتخاب اين فصل در كتابي جداگانه زده و بدین سان «منتخب الانوار المضيئة» پديد آمده است.

بخش های ۱۲ گانه این کتاب - که به نام دوازده امام معصوم است - عبارتند از:

۱. اثبات امامت وی و وجودش به دلایل عقلی (ص ۷-۱۸)
۲. اثبات امامت و وجود آن حضرت با استناد به آیات قرآنی (ص ۲۰-۴۲).

محققین، در این بخش برای مزید فایده از کتاب های تفسیر و حدیث و تاریخ فراوان استفاده کرده، و بر غنای مطالب کتاب بسی افزوده اند. و مقصود مصنف را به خوبی توضیح داده اند.

۳. اثبات امامت آن حضرت با استناد به احادیث امامان و احادیث پیامبر اکرم (ص) (ص ۴۵-۷۷).

مؤلف، در این فصل به نقل احادیثی از پیامبر و یازده امام - عليهم السلام - از طریق شیخ صدوق و قطب الدین راوندی پرداخته است.

۴. گفتار علمای اهل سنت در امامت آن حضرت (ص ۸۰-۱۰۰).

مؤلف، در این بخش به ذکر گفتار حافظ کنجی شافعی در «البیان فی اخبار صاحب الزمان» - از طریق اهل سنت - پرداخته و محققین هم در پاورقی به شرح احوال رجال و روایان متن احادیث و توضیح لغات مشکل و تطبیق آن با دیگر کتاب های عامه پرداخته اند.

۵. ولادت و والده اش (ص ۱۰۲-۱۲۴).

مؤلف در این فصل، داستان جناب نرجس خاتون و اسارتش و آمدن او به منزل امام هادی و چگونگی پیوندش با امام عسکری (ع) و تولد امام زمان (ع) را بیان داشته است.

۶. غیبت امام زمان و اسباب آن (ص ۱۲۷-۱۵۷).

مؤلف در این بخش، نخست از غیبت ابراهیم و موسی و یوسف و ادریس و صالح - عليهم السلام - و سلیمان و آصف و دانیال و عزیز و عیسی و شمعون و سلمان و پیامبر اکرم (ص) سخن گفته و سپس غیبت امام زمان - علیه السلام - را با غیبت آن بزرگان مقایسه نموده و به شبهات مخالفین با قوت استدلال پاسخ گفته است.

محققین، این بخش را کلمه به کلمه توضیح داده و در پاورقی ها به شرح و بسط و استدراک آن به خوبی کوشیده اند. این فصل، یکی از خواندنی ترین و پر مطلب ترین بخش های کتاب است.

۷. طول عمر آن حضرت و معمّرین مشهور (ص ۱۶۰-۱۹۷).

توضیحات فراوان)، اساتید و مشایخ، شاگردان و راویان، آثار متعدّدش - که برخی از آنها برای نخستین بار از متن «الانوار المضيئة» استخراج شده و معرفی گردیده است - گفتار بزرگان درباره شخصیت مؤلف، نام و اهمیت و ارزش کتاب، روش تحقیق و نسخه‌های مورد استفاده، سخن رفته است و به تفصیل از کتاب «الانوار المضيئة» و منتخب آن و اثبات صحّت انتساب آن به علی بن عبدالکریم نیلی بحث شده است.

سپس متن کتاب، با سه نسخه خطی مقابله شده و در مواردی که هر سه نسخه دارای اشکال بوده، از نسخه اصل کتاب - که در کتابخانه مجلس موجود است - استفاده شده و آن را با مصادر اصلی کتاب سنجیده‌اند. تخریج آیات، روایات، استخراج مطالب از مصادر گوناگون، توضیح لغات، شرح حال رجال و راویان متن، توضیح مکان‌ها و جای‌ها، اشاره به مطالبی که همگون با متن، در گذشته یا آینده کتاب خواهد آمد، ذکر گفتار اعلام شیعه و سنی در تأیید متن، در باورقی از ویژگی‌های کتاب است. پایان بخش کتاب هم، فهرس گوناگون است.

کتاب، هم از نظر موضوع مهم و قابل توجه است و هم از نظر مؤلف؛ زیرا اولین کتاب چاپی از علی بن عبدالکریم نیلی است. نیز از مصادر بحار و کتاب‌های دیگر حدیثی است. شیوه تحقیق کتاب هم، چشمگیر و قابل تقدیر است. در این تحقیق، دقت فراوان شده تا اشتباهی در نقل اختلاف نسخ، ذکر منابع و مصادر، اختلاف مصادر یک روایت در نقل، رخ ندهد و در این کار کمال و سواس به کار برده شده است. وثوق و صداقت راویان سنی به نقل از رجال عامه بررسی شده و صحّت احادیث مربوط به امام عصر نمایانده شده است.

محققین، گاه در تأیید متن از دیگر کتاب‌ها یا احادیث دیگر، استفاده نموده و بر غنای متن بسی افزوده‌اند و در باورقی‌ها، افزون بر تخریج، به مطالب خواندنی دیگر نیز، اشارت نموده‌اند. چاپ و صحافی زیبا و متن صحیح و بی غلط از ویژگی‌های دیگر این اثر است.

توفیق بیش از پیش محققان و مؤسسه امام هادی - علیه السلام - را در ارائه آثاری دیگر از این دست، از خدای بزرگ خواستاریم.

ناصرالدین انصاری قمی

○

مؤلف در این مقال، از طول عمر آدم و نوح و ابراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب و یوسف و موسی و دیگر پیامبران الهی و داستان دجال، و حبابه و البیه، و ابی الدنیا معمر مغربی و بسیاری دیگر از معمرین امت‌های پیشین سخن گفته است.

۸. راویان و وکلای آن حضرت (ص ۲۰۰-۲۱۷).
در این بخش، وکیلان امام زمان در شهرهای مختلف و نواب خاصه، خصوصاً ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی و ابی جعفر عمّری معرفی شده و داستان‌هایی در ارتباط با وکالت ایشان ذکر شده است.

۹. توقیعات امام زمان (ص ۲۲۰-۲۵۰).
در این بخش، ۱۶ توقیع حضرت به: اسحق بن یعقوب، محمد بن ابراهیم، مردبلخی، علی بن محمد صمیری، محمد بن عثمان عمّری، علی بن محمد سمّری، قاسم بن علا و احمد بن ابی روح و دیگران ذکر شده است.

۱۰. کسانی که به شرف ملاقاتش نائل آمدند (ص ۲۵۲-۳۰۲).

این فصل، گسترده‌ترین بخش کتاب بوده و در آن از ملاقات‌ها و دیدارهای کامل بن ابراهیم مدائنی، رشیق ماذرائی، احمد بن اسحق و سعد بن عبدالله اشعری - که مفصل‌ترین حدیث این بخش است - حسین بن حمدان، نسیم خادم، ابی نصر خیادم، ابوسعید هندی و دیگران سخن رفته است.
۱۱. علامات ظهور (ص ۳۰۵-۳۲۵).

در این بخش حدیثی از امام صادق (ع) درباره حضرت و غیبت او ذکر شده و بدین پرسش پاسخ داده است که چرا امامت در نسل امام حسین - علیه السلام - است.

۱۲. بازگشت و دولت مهدی - علیه السلام - (ص ۳۲۹-۳۶۱).

در این بخش، از اوصاف حضرت به هنگام بازگشت و حال بندگان و شیعیان پس از قیامت، و گسترش علم و عقل و امنیت و برکت در آن زمان سخن می‌رود.

مؤلف بزرگوار، کتابش را آکنده از مطالب حدیثی، تفسیری، تاریخی، کلامی ساخته و مجموعه‌ای دلپذیر و خواندنی فراهم آورده است.

در مقدمه خواندنی و پر فایده کتاب از نسب مؤلف (همراه با